



صبانت از آتش بس
دفاع حسن روحانی از مذاکرات



ایران چو باغی است خرم بهار
احمد مسجدجامعی



جنگ را بزرگ نکنیم
عبدالکریم سروش



بوسه سعادت بر قامت کمال

درباره دیپلماتی معتدل که علم، اخلاق و تدبیر سیاسی را در خدمت عزت ایران درآورد



محمد عطریانفر

عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگران سازندگی ایران

در هنگامه‌ای که تاریخ، مردان خویش را در آتش تجربه‌اندوزی و آزمون می‌آزماید، گاه ستارگانی از افق حیات برمی‌خیزند که فروغ‌شان نه در هیاهوی قدرت، که در ژرفای عقلانیت، اخلاق، اعتدال و خدمت، به انسان و انسانیت معنا می‌دهد. نام سیدکمال خرازی از این تبار است؛ شخصیتی که زیست او، روایت پیوندی مبارک میان ایمان، دانش، تدبیر و اعتدال بود. او در خانواده‌ای متدین و برخوردار از حریم و حرمت و اصالتی دیرینه چشم به جهان گشود؛ بستری که در آن، اخلاق و دیانت آموزه‌ای ریشه‌دار و خمیرمایه شخصیت تربیتی آنان بود. تربیت در چنین محیطی، او را از آغاز به سوی جست‌وجوی حقیقت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی رهنمون کرد. شهید والامقام ما سالیانی چند برای علم‌اندوزی و تربیت اجتماعی در نهاد آموزشی علوی درنگ نمود. حضور در مدرسه علوی - آن نهاد ممتاز که در روزگار حاکمیت جور، چراغ دانایی و فضیلت را فروزان نگاه داشت - نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت علمی و معنوی شهید ایفا کرد؛ مدرسه‌ای که رجال برجسته‌ای را پرورد و بسیاری از آنان، در بنای جمهوری اسلامی و انجام رسالت‌های بعدی منشأ خدماتی ماندگار شدند. با طلوع نظام جمهوری اسلامی، سیدکمال خرازی در عرصه فعالیت‌های فرهنگی حضوری مؤثر یافت و در سال‌های دفاع مقدس، آن هنگامه نابرابر ایستادگی در رویارویی با رژیم ستم‌پیشه صدام، مسئولیتی خطیر بر دوش گرفت. هدایت عرصه تبلیغات دوران دفاع مقدس و اداره سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی در آن سال‌ها، دوران پرتلاطمی که او روایت‌گر حقیقت بود؛ صدایی که در میان غبار جنگ، تلاش می‌کرد تصویر روشنی از مقاومت مظلومانه یک ملت را به گوش جهان و جهانیان برساند. با پایان یافتن جنگ و ورود به آستانه دوران سازندگی، وی سالیان متمادی نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد را عهده‌دار شد. در آن میدان پیچیده دیپلماسی، با نگاهی معتدل، سنجیده و نظام‌مند، بخش مهمی از راهبرد سیاست خارجی کشور را در نهاد جهانی سازمان ملل سامان داد. حضور او به‌دور از هرگونه هیجان سیاسی و بر محور عقلانیت و گفت‌وگوی مؤثر استوار بود؛ گویی زبان دیپلماسی، در وجود او، به تعادلی کم‌نظیر دست یافته بود.

در عصر دولت اصلاحات، با فروتنی و حسن‌تکلیف، سکان وزارت امور خارجه را پذیرفت و در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی، کوشید تا چهره‌ای خردمندانه و مبتنی بر تعامل از ایران به جهان عرضه کند. پس از آن نیز، در استمرار حیات پربرکتش، از آغاز تا فرجام (۱۳۸۵-۱۴۰۵) به‌مدت ۲۰ سال از سوی رهبر شهید ایران آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به مسئولیت شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی پذیرای مسئولیت خطیری شد؛ جایگاهی که نشان از صلاحیت و خردمندی و استمرار اعتماد به درایت و تجربه او داشت.

سیدکمال خرازی تنها یک سیاستمدار نبود؛ او در قلمرو دانش، به‌ویژه در علوم شناختی، شخصیتی پیشرو و آینده‌نگر به‌شمار می‌رفت. وی استاد تمام دانشگاه تهران در رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و معرف و مروج حوزه بین‌رشته‌ای علوم و فناوری‌های شناختی در ایران و اولین دبیر ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی و مؤسس پژوهشکده علوم شناختی بود. تأسیس مرکز پژوهشی و دانشگاهی در این حوزه، نشان از درک عمیق وی از اقتضانات عصر دیجیتال داشت؛ عصری که در آن، شناخت ذهن و رفتار انسان، به یکی از کلیدهای اصلی پیشرفت بدل شده است. او از معدود چهره‌هایی بود که پیوند میان سیاست، فرهنگ و علم را به‌درستی درک کرد و در جهت تقویت آن کوشید.

ادامه در صفحه ۲

همسایه شریف

چشم‌ها به پاکستان دوخته شده است و به نقش کلیدی شهباز شریف، نخست‌وزیر این کشور برای آتش‌بس بین ایران و آمریکا و آغاز گفت‌وگوهای صلح برای ترک محاصره و پایان جنگ سازندگی به این موضوع پرداخته و بررسی کرده است که چه اتفاقاتی در شرف وقوع است؟



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

امروز شنبه ایران و آمریکا در پاکستان با هم گفتگو می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود این گفتگوها برای اولین بار به صورت مستقیم برگزار خواهد شد. تیم ایران به سرپرستی محمدباقر قالیباف راهی پاکستان خواهد شد و از آن سو سرپرستی تیم امریکایی را ونس معاون رئیس جمهور آمریکا برعهده دارد. این مذاکرات به دلیل یک جنگ ۴۰ روزه است. در واقع آمریکا و اسرائیل در روز نهم اسفندماه ۱۴۰۴ تهاجم هماهنگی را علیه ایران آغاز کردند که طی آن رهبر انقلاب و شماری از مقام‌های امنیتی کشور ترور و شهید شدند و زیرساخت‌های نظامی و هسته‌ای کشور مورد هدف قرار گرفتند. تهران در واکنش، نه تنها خاک اسرائیل را مورد هدف قرار داد، بلکه هم پایگاه‌های آمریکا را در کشورهای عربی مورد هدف قرارداد و هم تنگه هرمز را بست؛ گذرگاهی راهبردی که حدود یک‌پنجم نفت و گاز جهان از آن عبور می‌کند. این اقدام باعث جهش قیمت انرژی و اختلال در تجارت جهانی شد در نهایت آمریکا و ایران در روز ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ با آتش‌بس دو هفته‌ای که با میانجی‌گری پاکستان حاصل شد، موافقت کردند.

ادامه در صفحه ۳





خبر

صیانت از آتش بس

از تأکید روحانی و جهانگیری بر تداوم دیپلماسی تا هشدار انجمن مدرسین درباره ضرورت مراقبت از صلح

گروه سیاسی: با گذشت چند روز از برقراری آتش بس و کاهش تنش های نظامی، واکنش ها و موضع گیری ها درباره ضرورت صیانت از این دستاورد همچنان ادامه دارد. در تازه ترین تحولات، چهره های سیاسی و دانشگاهی کشور با صدور بیانیه ها و نامه های جداگانه بر لزوم حفظ انسجام داخلی، هوشیاری امنیتی و تداوم دیپلماسی برای تثبیت صلح تأکید کرده اند. در همین چارچوب، حسن روحانی و اسحاق جهانگیری در بیانیه هایی جداگانه از ضرورت حفاظت از آتش بس و بهره گیری از ظرفیت دیپلماسی سخن گفته اند و در ادامه نیز انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه ها در نامه ای به رئیس جمهور توصیه هایی برای مدیریت شرایط بس از آتش بس ارائه کرده است. حسن روحانی، رئیس جمهور پیشین، در بیانیه ای با اشاره به شرایط حساس منطقه تأکید کرد که آتش بس به دست آمده باید به فرصتی برای کاهش تنش و بازگشت به مسیر دیپلماسی تبدیل شود. او با اشاره به هزینه های انسانی و اقتصادی درگیری های اخیر، بر ضرورت تلاش برای جلوگیری از بازگشت بحران تأکید کرد و گفت تجربه های گذشته نشان داده است که تثبیت صلح نیازمند هوشیاری سیاسی و دیپلماسی فعال است. روحانی در این بیانیه با قدردانی از مقاومت مردم و نیروهای مسلح کشور، نقش انسجام ملی را در عبور از شرایط دشوار تعیین کننده دانست و تأکید کرد که باید از فضای شکل گرفته برای تقویت گفت و گوهای منطقه ای و بین المللی بهره گرفت. او همچنین هشدار داد که برخی بازیگران منطقه ای ممکن است با اقدامات تحریک آمیز تلاش کنند روند کاهش تنش را مختل کنند. از این رو لازم است دستگاه دیپلماسی کشور با ابتکار عمل، مسیر گفت و گو و تعامل را دنبال کند تا دستاورد آتش بس به صلحی پایدار تبدیل شود. روحانی در پایان این بیانیه بر ضرورت همدلی نیروهای سیاسی داخلی نیز تأکید کرده و خواستار آن شده است که همه جریان ها در چنین شرایط حساسی از منافع ملی و امنیت کشور حمایت کنند. اسحاق جهانگیری، معاون اول دولت های یازدهم و دوازدهم، نیز در بیانیه ای جداگانه با اشاره به شرایط منطقه و تبعات جنگ، حفظ آتش بس را ضرورتی ملی و منطقه ای دانست. او تأکید کرد که درگیری های اخیر بار دیگر نشان داد که جنگ نه تنها برای ایران بلکه برای کل منطقه هزینه های سنگینی به همراه دارد و از همین رو باید از هر فرصتی برای کاهش تنش و گسترش گفت و گو استفاده کرد. جهانگیری در این بیانیه با قدردانی از ایستادگی مردم و نیروهای مسلح، تأکید کرد که حفظ انسجام داخلی یکی از مهم ترین عوامل در مدیریت شرایط بس از جنگ است. به گفته او، همبستگی ملی می تواند پشتوانه ای مهم برای سیاست خارجی و دیپلماسی کشور باشد. معاون اول پیشین رئیس جمهور همچنین خواستار آن شد که دستگاه دیپلماسی با استفاده از فضای ایجاد شده، گفت و گوهای منطقه ای و بین المللی را با هدف تثبیت امنیت و جلوگیری از تکرار تنش ها دنبال کند. در ادامه این واکنش ها، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه ها نیز در نامه ای به مسعود پزشکیان، رئیس جمهور و رئیس شورای عالی امنیت ملی، ضمن تبریک تحقق آتش بس بر ضرورت هوشیاری در برابر تحولات احتمالی دشمن تأکید کرد. در بخشی از این نامه آمده است که تجربه های گذشته نشان می دهد رژیم صهیونیستی در بزنگاه های حساس می کوشد با ایجاد بحران های تازه یا تشدید تنش ها، روند صلح را مختل کند. نویسندگان این نامه همچنین بر چند محور تأکید کرده اند؛ از جمله حفظ آمادگی دفاعی در کنار پایبندی به آتش بس، ادامه دیپلماسی فعال برای تثبیت صلح و صیانت از انسجام ملی در فضای بس از جنگ.

حملات به قالیباف پس از طرح آتش بس

از انتقاد چهره های نزدیک به جبهه پایداری تا حملات رسانه های تندرو به مواضع رئیس مجلس

گروه سیاسی: طرح موضوع آتش بس باعث شد برخی از اصولگرایان و نزدیکان حزب پایداری حملات هدفمندی را به سوی قالیباف روانه کنند. از سوی دیگر دفتر رهبر انقلاب با انتشار اطلاعیه ای تأکید کرد: با توجه به تماس های مکرر برخی اقسشار مردم برای طلب حلالیت از امام شهید، اعلام می داریم همه این عزیزان آسوده خاطر باشند که مورد بخشش امام شهید هستند. به گزارش ایسنا، متن اطلاعیه دفتر رهبر انقلاب به شرح زیر است: به اطلاع ملت عزیز، شریف، آزاده و دلیر ایران می رساند اقسشاری از مردم در تماس با دفتر با اندوه فراوان از اینکه تحت تأثیر تبلیغات دروغین شبکه های دروغ تراکن دشمن، موضعی ناروا و احیاناً جسارت هایی نسبت به ساحت والا ی رهبر عالیقدر، امام شهید (رضوان الله تعالی علیه) داشته اند و موفق به طلب حلالیت نشده اند اظهار تأسف کرده، کسب تکلیف می کنند. با توجه به پاسخ مکرر ایشان به موارد مشابه در زمان حیات پریرکت خود که بارها فرمودند «همه ملت ایران فرزندان من هستند و من دعا گو آنها هستم و چنین عزیزی را هم بخشیده و حلال کرده و خواهم کرد» اعلام می داریم که همه این عزیزان آسوده خاطر باشند که مورد بخشش آن دل مهربان که همچون اقیانوس همه مردم را در خود گنجانده بود، هستند و نشانه این رضایت را در همین حضور یکپارچه و حماسی و دل های دشمن شکن یکایک مردم عزیز می توان مشاهده کرد که خداوند با لطف خود همه دیوارهای جدائی را از میان آنها برداشته و همگان با شعار الله اکبر، پرچم کلمه الله هی العلیا را برافراشته اند و با توکل بر خدا، همدل و همسو و همگام جز به پیروزی بر دشمن پلید بشیرتی نمی اندیشند. محکم بایستید و یقین بدانید که دعای سیدالشهدای تاریخ ایران شامل یکایک شما مردم عزیز بوده و خواهد بود و همین ثبات قدم شماست که نصرت الهی و فتح قریب را نوید می دهد که فرمود آن تضرُّوا لِلَّهِ تَتَضَرَّكُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ.»

پس از هفته ها درگیری و نیز مواضع اخیر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، موجی از واکنش ها را در میان جریان های مختلف سیاسی به ویژه طیف موسوم به اصولگرایان تدررو برانگیخته است. بخشی از این جریان که در سال های اخیر خود را مدافع «ادامه فشار حداکثری بر دشمن» معرفی می کند، مواضع قالیباف درباره مدیریت جنگ و بحث توقف درگیری ها را مورد انتقاد قرار داده و حتی در برخی موارد حملات تندی را متوجه او کرده است. در میان منتقدان، چهره هایی نزدیک به طیف موسوم به جبهه پایداری بیش از دیگران به این موضوع واکنش نشان دادند. حمید رسایی، نماینده تهران و از چهره های شاخص این طیف، از جمله افرادی بود که در فضای مجازی با لحنی تند به طرح موضوع آتش بس واکنش نشان داد. او با طرح این پرسش که «چرا باید در اوج فشار بر دشمن، سخن از توقف درگیری ها گفته شود»، چنین موضعی را در تضاد با «روحیه مقاومت» دانست. در همین راستا، روح الله مومن نسب، فعال رسانه ای نزدیک به جریان های تدررو،

نیز در یادداشتی انتقادی تأکید کرد که هرگونه سخن از آتش بس در شرایطی که «دشمن هنوز ضربه نهایی را دریافت نکرده»، می تواند پیام ضعف به طرف مقابل ارسال کند. او بدون نام بردن مستقیم از قالیباف، از برخی مسئولان خواست که «در بیان مواضع خود دقت بیشتری داشته باشند».

از سوی دیگر، برخی رسانه های نزدیک به جریان های رادیکال اصولگرا نیز به انتقاد از رئیس مجلس پرداختند. این رسانه ها با اشاره به سوابق نظامی قالیباف، این پرسش را مطرح کردند که چگونه فردی با چنین پیشینه ای اکنون از ادبیاتی استفاده می کند که به زعم آنان «به معنای عقب نشینی سیاسی» تعبیر می شود. در کنار این انتقادات، مهدی کوچک زاده، از چهره های شناخته شده اصولگرای تدررو، نیز در اظهاراتی تلویحی از برخی مسئولان انتقاد کرد که به گفته او «در میانه نبرد، به جای تمرکز بر پیروزی، از پایان درگیری سخن می گویند». هرچند او نامی از قالیباف نبرد، اما بسیاری از ناظران سیاسی این سخنان را اشاره ای به مواضع اخیر رئیس مجلس دانستند.

ایسنا واکنش ها در حالی مطرح می شود که نزدیکان قالیباف معتقدند سخنان او نه به معنای عقب نشینی، بلکه بخشی از «مدیریت هوشمندانه میدان و دیپلماسی» است. برخی مشاوران رئیس مجلس نیز تأکید کرده اند که طرح بحث هایی مانند آتش بس یا توقف درگیری ها لزوماً به معنای پذیرش آن نیست، بلکه می تواند در چارچوب تاکتیک های سیاسی و نظامی مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، مجموعه این انتقادات نشان می دهد که شکاف در میان طیف اصولگرا، به ویژه در شرایط حساس بس از جنگ، بیش از گذشته آشکار شده است. بخشی از این جریان بر ادامه فشار و رویکرد تهاجمی تأکید دارد. در حالی که طیف دیگری از اصولگرایان از ضرورت مدیریت هم زمان میدان و سیاست سخن می گوید.

در چنین فضای، موضع گیری های قالیباف به صحنه ای برای رقابت و صفت بندی تازه در اردوگاه اصولگرایان نیز بدل شده است؛ صفت بندی ای که ممکن است در تحولات سیاسی آینده نیز تأثیرگذار باشد. از دیگر سو محمدباقر قالیباف نیز گفت اگر آمریکا نقض تعهدات خودش را ادامه ندهد، ممکن است وارد مذاکره شویم، وگرنه آتش را دوباره شروع خواهیم کرد. محمدباقر قالیباف در پیامی به مناسبت چهلمین روز شهادت آیت الله سیدعلی خامنه ای رهبر شهید انقلاب اعلام کرد: «ما امروز بخشی از این احساس پیروزی را مشاهده می کنیم. عقب نشینی تاریخی رئیس جمهور متکبر آمریکا و کنار گذاشتن طرح ایالات متحده و پذیرفتن کلیات طرح ۱۰ ماده ای جمهوری اسلامی، که حقوق ایران در آن تصریح شده است، پیروزی غیرقابل کتمان برای ایران اسلامی در این

ادامه سرمقاله

بوسه سعادت بر قامت کمال

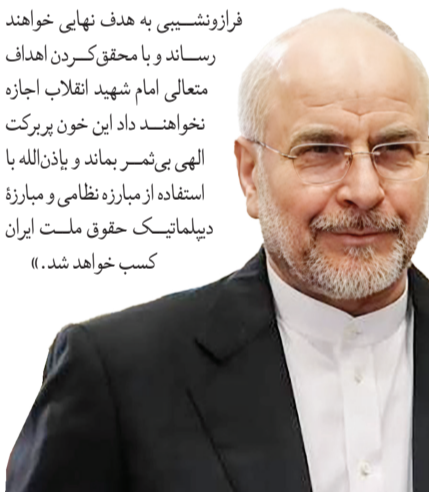
شهید سیدکمال خرازی، در یک کلام، نماد «انسان متوازن» بود؛ شخصیتی که عقلانیت را با ایمان، علم را با اخلاق، و تدبیر سیاسی را با تواضع انسانی درآمیخت. او به ما آموخت که پیشرفت یک کشور، در تدخوبی و شتاب زدگی نیست، بلکه در اعتدال، استدلال و تربیت نسل های دانا و مسئول شکل می گیرد. در مقام پیوند اخلاق و سیاست، به یاد خاطرهای افتادم که ذکرش در این مقال بی مناسبت نیست. با پایان یافتن جنگ تحمیلی عراق و پیامد پذیرش قطنامه ۵۹۸ اولین سفر رسمی هیأت ایرانی به سرپرستی شهید دکتر سیدکمال خرازی (وزیر امور خارجه) و با همراهی تعدادی از بلندپایگان دیپلماسی خارجی از جمله دکتر محمدجواد طریف به بغداد انجام شد. در این سفر به دعوت آن بزرگوار، من تنها عضو غیرمرتبط جمع بودم که با آنان همراه شدم. با ورود به سرزمین عراق، توفیق زیارت مضجع شریف امیرمومنان امام علی بن ابیطالب دست داد. در این تشریف که تا آن زمان برای یکایک اعضای هیأت ۱۵ نفره از آرزوهای دست نیافتنی بود، همگان در شوق و التهاب و شور معنوی انتظار داشتند که اگر وقوف و التجا ساعت ها نشود، حداقل در زمانی نسبتاً موعوس به زیارت مرقد شریف امام همام بپردازند. به محض توفیق تشریف به همراه شهید سیدکمال عزیز، به ناگاه و در کمتر از ۵ دقیقه، ایشان زیارت خود را کوتاه کرد و از آن فضای روحانی خارج شد. همراهان هم بی اختیار و با بغض و گلابه مندی که چرا رئیس هیأت به میزبان مورد انتظار زمان زیارت را مقرر نکرد، از عتبه مقدسه خارج شدند. برای بنده هم که به مراتب معنوی و اعتقاد آن عزیز وقوف کامل

داشتیم، این رویکرد و تعجیل محل سؤال و ابهام بود. در مقام تعلیل برام روشن شد که خرازی عزیز متوجه شده بود که مقامات عراقی به خاطر هیأت ایرانی، زائران را از ورود به حرم باز داشته بودند و به عبارتی حرم را برای هیأت قرق کرده بودند، لذا ایشان به محض وقوف، زیارت خود و هیأت همراه را به احترام دیگر زائران با هدف رفع مانع حضور آنان کوتاه کرد. این اقدام شگفت که دلالت بر ترقب و هشجاری و رفتار اخلاقی



آن بزرگمرد داشت، سیدکمال خرازی را که در ذهن و ضمیر من رفیع المنزلت بود، بزرگ و بزرگتر کرد. در متن حوادث تاخ و پرالتهاب اخیر، در میانه جنگی که سایه خشونت را بر سر منطقه گسترانده بود، پس از شهادت دکتر علی لاریجانی، او دیگر بار در قامت یک «امید» ظاهر شد؛ امیدی برای سوق دادن نزاع به سوی مصالحه ای شرافتمندانه. اما تقدیر، چهره ای دیگر نشان داد؛ وی در فرجامی غم انگیز و در اوج مظلومیت،

جنگ تمدنی محسوب می شود و جایگاه جمهوری اسلامی را در منطقه و نظم نوین جهانی ارتقا می بخشد. البته ما این پیروزی را فقط گام اول و گام ناتمام تلقی می کنیم. ما اصلاً به تفکیک میدان از دیپلماسی اعتقاد نداریم و فقط یک میدان داریم آن هم میدان دفاع از حقوق مردم ایران. یا این حقوق در مبارزه نظامی محقق می شود، یا از طریق مبارزه دیپلماتیک. این دو، توأمان با هم ما را به موفقیت می رسانند. تجربه های پیشین به ما نشان داده است که باید به دشمن بی اعتمادی محض داشت، همان طور که همین روزها نقض مکرر تعهدات آن ها را می بینیم، آن ها نمی خواهند حقوق ملت ایران را بدهند، ولی می توان تحت هدایت های رهبر معظم انقلاب اسلامی با استفاده از هردو ابزار نظامی و دیپلماسی آن ها را مجبور به پرداخت حقوق ایران کنیم. البته تصمیم گیری برای اینکه در هر لحظه از کدام ابزار، به چه میزان، و به چه شکل، باید به کار گرفته شود، به شدت حساس است و باید با تدبیر و دقت فراوان انجام شود. به عنوان مثال، ما با اولتیماتوم ترامپ حاضر نشدیم با آمریکا مذاکره کنیم و همان زمان او مجبور شد برای کنترل بازار کشورش، به دروغ، از مذاکره با ایران سخن بگوید و اولتیماتوم خود را سه بار تمدید کند. حتی پذیرش چارچوب این طرح ۱۰ ماده ای ایران با مذاکره به نتیجه نرسیده است، بلکه شیوه ای که برای دیپلماسی از آن استفاده شده تبادل متن ها بوده است. تازه از این به بعد است که اگر آمریکا نقض تعهدات خودش را ادامه ندهد، ممکن است وارد مذاکره شویم، وگرنه آتش را دوباره شروع خواهیم کرد. مردم و نیروهای مسلح ما نیز آمادگی لازم را برای این مسئله دارند. عقب نشینی آمریکا و پذیرفتن کلیات طرح ۱۰ ماده ای ایران گرچه پیروزی غیرقابل کتمان است اما ما این پیروزی را گام ناتمام تلقی می کنیم. البته مسیر پیش رو همچنان پیچیدگی های زیادی دارد که، در صورت غفلت یا خطای ما مسئولان سیاسی و نظامی، پیروزی به دست آمده ناتمام می ماند. هرچند ملت ایران در این چهل روز نشان دادند به چنان سطحی از اقتدار و بالندگی رسیده اند که با عنایت الهی این مسیر را با هر فرازونشیبی به هدف نهایی خواهند



رسانند و با محقق کردن اهداف متعالی امام شهید انقلاب اجازه نخواهند داد این خون پریرکت الهی بی ثمر بماند و یاذن الله با استفاده از مبارزه نظامی و مبارزه دیپلماتیک حقوق ملت ایران کسب خواهد شد.»

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۲۰۱۰۷۸۰۰۸۳۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلامحسین پناهی دوشانلو فرزند گل حسین بشماره شناسنامه ۵۸۵۲۳ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۷۷/۴۴ متر مربع پلاک ۱۶۴۵۵ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی حاج محمود و حاج کریم زندی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۱/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۰۶
رئیس ثبت اسناد و املاک - خداداد بشیری

شناسه آگهی ۲۱۴۸۳۷۰

تاریکی ابدی!

لبنان تحت شدیدترین حملات قرار گرفت

گروه بین المللی: لبنان با چشم انداز پیچیده و به شدت بی ثباتی روبرو شده است؛ مرحله‌ای که در آن آتش‌بس شکننده و دو هفته‌ای میان ایالات متحده و ایران، نتوانست مانعی در برابر تشدید خشونت‌ها در جنوب لبنان ایجاد کند. اسرائیل به‌صراحت کارزار نظامی خود علیه حزب‌الله را از این توافق گسترده منطقه‌ای جدا کرده است. این جداسازی راهبردی با اجرای عملیات گسترده‌ای تحت عنوان «عملیات تاریکی ابدی» به‌طرز خسوفت‌بار عینیت یافت؛ عملیاتی که مقامات محلی از آن با عنوان «چهارشنبه سیاه» یاد کرده‌اند. در جریان این حمله، بیش از ۱۰۰ حمله هوایی تنها در بازه‌ای ده دقیقه‌ای انجام شد و مناطقی چون دره بقاع شرقی، شهر بندری صیدا و بخش‌های مسکونی پرتاکم در مرکز بیروت، بدون هیچ‌گونه هشدار قبلی، هدف قرار گرفتند. پیامد این تشدید ناگهانی، ثبت بالاترین میزان تلفات روزانه در جریان جنگ لبنان در سال ۲۰۲۶ بود؛ به‌گونه‌ای که دست‌کم ۳۰۳ نفر کشته و بیش از ۱۱۰۰ نفر زخمی شدند و مراکز درمانی در پایتخت و مناطق جنوبی کنسور با فشاری بی‌سابقه روبرو شدند.

برداشت‌های متفاوت از مفاد این آتش‌بس، خلأیی خطرناک و رو به گسترش در عرصه دیپلماتیک ایجاد کرده است. در حالی

ادامه تیتیر یک

که میانجی‌گران پاکستانی با حمایت مصر و ترکیه در ابتدا تأکید داشتند که این توافق تمامی جبهه‌های منطقه‌ای، از جمله لبنان، را در بر می‌گیرد، اما در ادامه، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، تصریح کردند که این توافق صرفاً به درگیری مستقیم با تهران محدود می‌شود و حزب‌الله باید به‌عنوان «میدانی جداگانه از درگیری» در نظر گرفته شود. این تمایز، در عمل نشان‌دهنده چرخشی معنادار در راهبرد نظامی اسرائیل است. اکنون ارتش اسرائیل اکنون تمرکز کامل توان تهاجمی خود را بر زیرساخت‌های حزب‌الله در جنوب لبنان و نیروهای ویژه رضوان معظوف کرده است. در حالی که ارتش اسرائیل مدعی است این حملات با دقت بالا و با هدف قرار دادن مراکز اطلاعاتی و سایتهای پرتاب موشک انجام می‌شود، گزارش‌های میدانی، از جمله روایت‌های منتشرشده از سوی سازمان پزشکان بدون مرز، از وارد آمدن خسارات گسترده به زیرساخت‌های غیرنظامی حکایت دارد؛ از جمله حملاتی در نزدیکی بیمارستان حرام در شهر صور و نیز بمباران یک گورستان هم‌زمان با برگزاری مراسم تشییع در منطقه شمشتار.

در سطح میدانی، بحران انسانی در جنوب لبنان با شتابی نگران‌کننده در حال تعمیق است؛ به‌ویژه آنکه روند عقب‌نشینی

۶۰ روزه نیروهای اسرائیلی، که بخشی از چارچوب‌های پیشین توافقات محسوب می‌شد، عملاً متوقف شده است. در این میان، ارتش لبنان و نیروهای یونیفیل در موقعیتی بسیار شکننده و پیچیده قرار گرفته‌اند؛ چراکه از یک سو توانایی تثبیت و تأمین امنیت منطقه حائل در جنوب رود لبتانی را ندارند و از سوی دیگر، حزب‌الله نیز در برابر تداوم حملات اسرائیل، هرگونه خلع سلاح کامل را رد می‌کند. اگرچه پس از اعلام آتش‌بس میان ایران و آمریکا، برای مدت کوتاهی تبادل آتش متوقف شد، اما حزب‌الله بار دیگر حملات راکتی به منطقه جلیل را از سر گرفت و این اقدام را پاسخی به «تقص» آتش‌بس از سوی اسرائیل دانست. این چرخه مداوم حمله و ضدحمله، به آوارگی بیش از یک میلیون شهروند لبنانی انجامیده است؛ شهروندانی که بسیاری از آن‌ها پس از وقفه‌ای کوتاه تلاش کرده بودند به



خانه‌های خود در جنوب بازگردند، اما در پی شدت گرفتن «عملیات تاریکی ابدی» بار دیگر ناچار به ترک محل سکونت خود شدند. اکنون، با نزدیک شدن به پایان بازه دو هفته‌ای آتش‌بس میان آمریکا و ایران، فقدان یک سازوکار رسمی برای گنجاندن لبنان در روند صلح، این احتمال را تقویت می‌کند که جنوب لبنان همچنان به کانون اصلی یک جنگ فرسایشی و طولانی‌مدت بدل شود؛ جنگی که نه‌تنها می‌تواند ساختار دولت لبنان را از درون تهی کند، بلکه خطر شکل‌گیری یک خلأ قدرت پایدار در مرزهای شمالی اسرائیل را نیز به‌دنبال خواهد داشت. اگرچه با تماس تلفنی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، دستور مذاکرات تل‌آویو با دولت لبنان صادر شده اما بار دیگر هیچ تضمینی برای تجاوز مجدد اسرائیل به لبنان وجود ندارد.

آمریکا

افشاکری جان کری

ماجرای درخواست بی‌بی‌سی از بوش و اوباما

جان کری، وزیر امور خارجه پیشین ایالات متحده در دوران باراک اوباما، در مصاحبه‌ای با جن ساکی، سخنگوی اسبق کاخ سفید، پرده از لایه‌های مستتر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، برای وادار کردن دولت‌های مختلف آمریکا به حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران برداشت.

کری در این مصاحبه که شبکه MS NOW آن را منتشر کرده است، با لحنی انتقادی نسبت به سیاست‌های جنگ‌طلبانه دونالد ترامپ اظهار کرد که نتانیاهو در طول سال‌های گذشته بارها سعی کرده است روسای جمهور آمریکا را به اقدام نظامی علیه تهران متقاعد کند اما همواره با مخالفت مواجه شده است.

وزیر خارجه پیشین آمریکا تصریح کرد: "بله، او (نتانیاهو) از ما می‌خواست که به ایران حمله کنیم. او نزد رئیس‌جمهور اوباما آمد و با ارائه یک برنامه رسمی خواستار حمله شد. رئیس‌جمهور اوباما پذیرفت. رئیس‌جمهور بایدن هم درخواست او پذیرفت. رئیس‌جمهور جورج بوش نیز پذیرفت. تنها رئیس‌جمهوری که با این موضوع موافقت کرد، رئیس‌جمهور ترامپ بود."

کری همچنین با انتقاد از تجاوز نظامی اخیر واشنگتن علیه ایران آن را تحقق "روای دیرینه" نتانیاهو برای وارد آوردن حداکثر خسارت به ایران توصیف کرد.

وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو با اشاره به تهدیدات تمدنی دونالد ترامپ علیه ملت ایران، این لفاظی‌ها را "مقدمه‌ای برای تبدیل شدن به یکی از بزرگترین جنایتکاران جنگی تاریخ" خواند و گفت که چنین اظهاراتی کاملاً بر خلاف تمامی هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی است.

کری همچنین تأکید کرد که ایران در آستانه آغاز حملات آمریکا هیچ تهدید قریب‌الوقوعی علیه منافع ایالات متحده ایجاد نکرده بود و برنامه هسته‌ای آن تحت نظارت شدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داشت. وی هشدار داد که سیاست خارجی کنونی کاخ سفید صرفاً در خدمت اهداف راست‌گرایان تندرو در تل‌آویو است و امنیت و اقتصاد جهانی را با مخاطره‌ای جدی مواجه کرده است.



برنامه انجام خواهد شد. روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی نوشت: اسلام‌آباد پیش از مذاکرات ایران و آمریکا، قرنطینه شد. جاده‌ها با کانتینر و سیم خاردار بسته و نیروهای امنیتی مستقر شدند. شعاع ۳ کیلومتری هتل سرینا (محل اقامت هیئت‌ها) و حتی مسیرهای پیاده‌روی تپه‌ها به‌طور کامل مسدود شده‌اند. در همین حال تدابیر امنیتی در اسلام‌آباد نیز افزایش یافته و ایست بازرسی‌ها و نیروهای امنیتی بیشتری در سطح این شهر به چشم می‌خورد.

هیئت‌های بلندپایه

ریاست هیأت آمریکایی را جی دی ونس بر عهده خواهد داشت و استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ، و جرد کوشنر، داماد رئیس‌جمهور آمریکا، او را همراهی خواهند کرد. این بالاترین سطح تماس آمریکا با ایران از زمان مذاکرات جان کری، وزیر خارجه وقت آمریکا برای توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ به شمار می‌رود. استیو ویتکاف پیش از آغاز جنگ چند دور گفت‌وگو با میانجی‌گری عمان با عباس عراقچی، وزیر خارجه، برگزار کرده بود اما جنگ این روند را نیمه‌تمام گذاشت. انتظار می‌رود محمدباقر قالیباف، رئیس‌مجلس شورای اسلامی، و عباس عراقچی ریاست هیأت ایرانی را بر عهده داشته باشند. به نظر می‌رسد پاکستان در صدد آن است تا با ارسال جنگنده به ایران از عبور امن هیأت ایرانی محافظت کند.

آیا مذاکرات به نتیجه خواهد رسید؟

پیش‌بینی بسیار سخت است. عده‌ای در ایران از این که کشور آتش‌بس را پذیرفته است شکایت دارند. اما از آن سو تکنوکرات‌هایی مانند قالیباف به این نتیجه رسیده‌اند که اگر آمریکا پیشنهادهای ایران را بپذیرد چرا آتش‌بس نکنیم؟ از آن سو تداوم بسته ماندن تنگه هرمز و حملات ایران به کشورهای عربی برای آمریکا سنگین بود. ترامپ وارد جنگی شد که در نهایت چیزی به دست نیاورد اما فهمید که از این پس هر تهدیدی، باعث می‌شود ایران هم تنگه هرمز را ببندد و هم پایگاه‌های آمریکایی در کشورهای عربی و اطراف ایران مورد حمله قرار بگیرد. این درس مهمی برای ایالات متحده آمریکا بود. ضمن این که ایران نیز متوجه شد سالیان بسیاری چشم خود را بر یک درآمد پایدار بسته بود. ایران می‌تواند به تغییر حقوقی رژیم دریاها و خلیج فارس به درآمد پایداری برسد. آمریکا همه اینها را می‌داند. برای همین ممکن است برخلاف تمام پدیده‌های دو کشور به هم و سالها مذاکرات بی‌نتیجه اینبار دو کشور به تفاهم پایداری برسند تا بتوانند مشکلات خود را حل کنند. باید منتظر فردا و روزهای بعد ماند.

در نوک هرم این تلاش‌ها، شهباز شریف، نخست‌وزیر این کشور دیده می‌شود که ترامپ نیز اخیراً از تلاش‌های او تمجید کرده است. وی تلاش‌های زیادی در کنار دیگر کشورها از جمله چین، مصر و ترکیه برای آتش‌بس انجام داد. اسلام‌آباد از یک سو روابط نزدیکی با آمریکا دارد و از سوی دیگر با ایران هم مرز مشترک و روابط دیپلماتیک مهمی دارد. همچنین پاکستان در جهان اسلام تلاش می‌کند نقش فعالی داشته باشد و نمی‌خواهد در یک درگیری بزرگ طرف‌دار یک جبهه خاص دیده شود. میانجی‌گری، راهی برای حفظ این توازن است. شهباز شریف با ورود به نقش میانجی، می‌تواند تصویر پاکستان را به‌عنوان یک بازیگر مسئول و فعال در حل بحران‌های جهانی تقویت کند؛ چیزی که برای دیپلماسی این کشور اهمیت زیادی دارد. شهباز شریف پس از برکناری عمران خان از سوی مجلس پاکستان حدود ۴ سال پیش به عنوان نخست‌وزیر جدید پاکستان منصوب شد.

او برادر کوچکتر نواز شریف، نخست‌وزیر اسبق پاکستان است و از یک خانواده سیاسی و بازرگان برجسته برمی‌آید. شهباز شریف پیش از رسیدن به نخست‌وزیری، سه دوره به عنوان وزیر ارشد ایالت پنجاب خدمت کرده است. او به دلیل کارآمدی در اداره امور و سرعت در اجرای پروژه‌ها، از سوی چینی‌ها به "سرعت شهباز" ملقب شده است. وی به عنوان مدیری کوشا و عاشق شعر شناخته می‌شود که اغلب جلسات رسمی را با خواندن اشعار شاعران انقلابی مشهور اردو برگزار می‌کند. طرفداران او می‌گویند شریف نخست‌وزیری است که کمتر حرف زده و بیشتر به وعده‌هایش عمل می‌کند.

ایران و پاکستان، روابط دیرینه‌ای با هم داشتند. در واقع ایران نخستین کشوری بود که پس از استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷، آن را به رسمیت شناخت. نخست‌وزیر شریف خود در مکالمات رسمی بارها به عمق پیوندهای تاریخی، فرهنگی و معنوی پاکستان و ایران اشاره کرده است. او معتقد است سرنوشت اقتصادی دو کشور به هم گره خورده و توسعه مناطق مرزی (مانند بلوچستان پاکستان و سیستان و بلوچستان ایران) می‌تواند به صلح منطقه و مبارزه با تروریسم کمک کند. تنش اخیر و بسته شدن تنگه هرمز مستقیماً به اقتصاد پاکستان (واردکننده انرژی) لطمه زد. میانجی‌گری او برای بازگشایی تنگه، تأمین منافع ملی پاکستان نیز بود.

زمان این مذاکرات که در ابتدا روز جمعه اعلام شده بود به شنبه موکول شد. گزارش‌هایی که روز گذشته از ورود هیئت ایرانی به پایتخت پاکستان خبر می‌داد تکذیب شد و حتی یکی از پست‌های مربوط به آن از شبکه‌های اجتماعی حذف شد. با این حال، روند آماده‌سازی در پاکستان به‌گونه‌ای پیش می‌رود که تردیدی باقی نمی‌گذارد که این گفت‌وگوها طبق

همسایه شریف

شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز اعلام کرد که گفت‌وگوها تا ۱۵ روز ادامه خواهد داشت. مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر خارجه هم در این راستا اعلام کرد که توافق شده طرح دهمادهای ایران مبنای مذاکره قرار گیرد. وی تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران همواره از دیپلماسی و گفتگو استقبال می‌کند، اما نه گفتگویی که مبتنی بر اطلاعات غلط با هدف فریبکاری و زمینه‌چینی برای تجاوز مجدد نظامی علیه ایران باشد. ما خواهان آتش‌بسی نیستیم که دشمن متجاوز مجدداً خود را تجهیز کند و دست به تجاوز مجدد بزند و به صراحت به دوستانمان هم گفته‌ایم که این وضعیت بدون تضمین تکرار نخواهد شد.

رنگ خطر

در همین حال، به گفته ناظران و تحلیلگران، در حالی که هنوز زمان زیادی از توافق آتش‌بس نگذشته، نشانه‌هایی از تضعیف آن ظاهر شده و نگرانی‌ها درباره دوام این توافق افزایش یافته است. تحلیلگران هشدار می‌دهند که این آتش‌بس ممکن است به‌سرعت از هم بپاشد.

وضعیت لبنان نیز بر این روند تأثیر مستقیم گذاشته است. حملات شدید اسرائیل در جنوب این کشور شرایط را بیش از پیش بحرانی‌تر کرده است و ایران می‌گوید در این وضعیت حاضر به مذاکره نیست. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل که پیش‌تر گفته بود «لبنان ذیل آتش‌بس اخیر بین ایران، آمریکا و اسرائیل نیست»، از صدور دستوری برای آغاز مذاکرات مستقیم با دولت لبنان خبر داد. به نظر می‌رسد تماس تلفنی دونالد ترامپ با نتانیاهو مبنی بر کاهش حملات به منظور جلوگیری از تضعیف روند آتش‌بس، بر تصمیم تل‌آویو برای گفت‌وگو با لبنان اثر داشته است.

نقش مهم شهباز شریف

پاکستان کشوری که اغلب به دلیل ناامنی‌های داخلی و اقتصاد متزلزلش در صدر خبرهای بین‌المللی قرار دارد حالا میزبان نخستین مذاکرات واشنگتن و تهران از زمان آغاز جنگ شده است؛ چرخشی چشمگیر برای کشوری که سال‌ها عمدتاً از دریچه ملاحظات امنیتی به آن نگاه می‌شد. آنچه به اسلام‌آباد در نقش میانجی اهمیت داده، شبکه دیپلماتیک گسترده و کم‌نظیر این کشور است.

در عین حال، اسلام‌آباد روابط نزدیکی با واشنگتن، ریاض و پکن نیز برقرار کرده است و در سال گذشته یک پیمان دفاعی مهم با عربستان سعودی به امضا رساند. این مسئله اهمیت توازن در روابط پاکستان با دیگر کشورهای همسایه را نشان می‌دهد.



سال نهم شماره ۲۲۰۳
شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵

روزنوش

که ایران چو باغی است خرم بهار

یادداشتی از احمد مسجدجامعی



یک روز قبل از تهدید نابودی تمدن ایرانی، روز سه‌شنبه ساعت ۲۰:۳۰ برای سفری یک‌روزه بلیط قطار تهران به مشهد را داشتیم. اواسط روز خیر لغو سفرهای ریلی اعلام شد. روز را به جست‌وجو و خبرگیری میدانی و دیدار اِیسن و آن گذراندیم. به چند کتاب‌فروشی، یک گالری، مراسم چهل‌م یکی از شعرای شهید جوان در امامزاده صالح بن زین‌العابدین در فرحزاد، یک جلسهٔ کاری در باب تنظیم ساختاری مناسب برای بناهای آسیب‌دیدهٔ تاریخی – میراثی (همچون کاخ مرمر، کاخ موزهٔ ملی قرآن کریم، کاخ موزهٔ گلستان، کاخ موزهٔ سعیدآباد و موزهٔ مقدم) و بالاخره دیدار از کنیسه‌ای دایر و فعال واقع در خیابان بزرگ‌مهر، خیابان فریمان، کوچهٔ ملک که به ناحق در بامداد همان روز مورد حمله قرار گرفته بود گذراندیم. مقصد بعدی، ناشران خیابان انقلاب به‌ویژه کتابفروشی‌های آسیب‌دیدهٔ آنجا بود که به دلایل امنیتی راه‌ها را بسته و اجازهٔ ورود به آن منطقه را نمی‌دادند؛ در عوض میدان‌ها و خیابان‌های اصلی این مسیر بنا به شواهد آمادهٔ حضور شبانهٔ مردم می‌شد. حضور انواع سبک‌ها و با سلیقه‌های متفاوت اجتماعی در کنار هم ذیل پرچم مقدس ایران و پخش سرودهایی که نام میهن و وطن و ایران در آن برجستگی داشت حال و هوای خاصی به این تجمعات داده بود. در گفت‌وگوی با ناشران بحث تعدیل نیروی انسانی به لحاظ مشکلات مالی از اهم مباحث مطروحه بود. اقدامی که ناشران عموماً رضایتی به آن نداشتند و از سر ناچاری به این کار تن داده و در عین حال نگران عواقب معیشتی نیروهای خود بودند. البته گرانی کاغذ هم دغدغهٔ مهم آن‌ها بود.

ایران در یک کلام یعنی همهٔ ایرانیان

حضور در مراسم غریبانهٔ چهل‌م شاعر شهید جوان آقای سعید عسگری برایمان بغض‌آلود بود؛ مادر شهید، برادر او و جمع اندکی از دوستان؛ اما هرچه بود صلابت و همدلی خانواده با ایران‌دوستی و نشانه‌های حب وطن در گفتار و کردارشان نمایان بود و پرچم سه رنگی که بر مزار شهید جلوه‌گری می‌کرد. نگرانی از آسیب‌های جبران‌ناپذیر به برخی بناهای مهم تاریخی ایران و پایتخت یکی از دغدغه‌هایی بود که در همان روز، قبل از نیمه‌شب چهارشنبه ۱۹ فروردین ماه و ادعای گزارف تمدن‌ستیزانه یکی دیگر از مباحث جلسهٔ کارشناسی ما بود که برای آن ساختاری طراحی و تهیه کردیم تا در اختیار نهادهایی که از ما نظر خواسته بودند قرار گیرد. مشورتی که شهرداری تهران از ما خواسته بود.

تکتهٔ بارز در مقاومت ملی ایرانیان شعار اتحاد و انسجام حول محور ایران بود و همه‌جا سه رنگ سبز و سفید و سرخ به چشم می‌خورد و نام بلند ایران طنین داشت. ایران یعنی مجموعهٔ اقوام و زبان‌ها و گویش‌ها و آداب و رسوم و هویت‌ها و فرهنگ‌ها و سلیقه‌ها و باورها و نگرش‌ها و … ایران در یک کلام یعنی همهٔ ایرانیان در هر کجای عالم و همهٔ ایران‌دوستان غیرایرانی. علاقه‌مندان به زبان و ادب پارسی و آئین ایرانی و حافظ و سعدی و فردوسی و خیام و این‌سینا و مولوی و عطار و نظامی و ابورحان بیرونی و خوارزمی و خواجه‌نصیر طوسی و ملاصدرا و شیخ اشراق و کلینی و صدوق و امیرکبیر و … که دل در گرو نعتها این مرز و بوم بلکه این تمدن و فرهنگ و آیین دارند.

کار زیبایی سینا جعفری، مانی کومار و شایلان عشایری هنرمندان جوان ایران در گالری «ثالث» روایتی متفاوت از این مرز و بوم داشت. نقشهٔ جغرافی ایران به رنگ «سبزیایی بلاتشبی» با نقاط مینیاتوری سرخ‌خام در جای جای نقشه و با رنگ سفید گستردهٔ بی‌انتهای در بالا و پایین آن طنازی می‌کرد و باغ ایرانی را به تصویر می‌کشید. در دو سوی این بوم، ماکت کلاهدک دو موشک متفاوت همچون سربازان سرافراز هخامنشی جلوه‌گری داشت. موشک‌هایی با پوشش آینه‌ه و صفت آینه‌گی که از ویژگی‌های شعری هنری ماست و یادآور بناهای کهن ایرانی است. قطعات کوچک آینه‌ه که در عین جدایی به هم پیوسته‌اند و یکدیگر را کامل می‌کنند و هر کسی خود را در آن می‌بیند. آینه‌ه و آینه‌گی که تمدن ایرانی را بازتاب می‌دهد. این را در فردای ادعای «نابودی تمدن ایرانی و بازگرداندن به عصر حجر» بار دیگر یافتیم. جایی که در بازدید دوباره از کنیسهٔ به ظاهر ویران کلییمان عیان شد. من نگران حفاظت آثار ارزشمندی بودم که در هر مکان مقدسی وجود دارند و هویت‌بخش آنجا هستند.

تصمیم داریم که این کوچه را بهتر از گذشته، خودمان آباد کنیم

علی‌رغم آن‌که صبح خیلی زود بود و در طول شب گذشته ایرانیان نگران اتفاقاتی بودند که خواب را از چشم‌شان روده بود از خوش‌اقبالی در همان کوچه با استقبال یکی از مدیران نشر آقای ابراهیم‌زاده که دفتر و منزلش در همان کوچه بود رویه‌رو شدم؛ با اعتماد به نفس و صدایی پرشکوه چنین گفت: ما اهالی کوچه تصمیم بر آن داریم که این کوچه را بهتر از گذشته، خودمان آباد کنیم. و اکنون نان بربری و پنیر تیریز و چای ایرانی آماده است تا دیگر همسایگان هم کم‌کم برسند. به‌رحال با فال حافظ سخن را به پایان بردیم. چنین آمد:

فتنه می‌بارد از این سقف مقرنس برخیز

تا به میخانه پناه از همه آفات بریم

در این میانه به همین مناسبت بسته‌ای شیرینی به زیاله‌گردی اهدا کردم. با تعجب پرسید مگر امروز عید است؟ گفتیم نه؛ صلح شده است؛ با صراحت گفت برای امثال ما جنگ و صلح چه فرقی دارد؟ او نمی‌دانست. البته من هم نمی‌دانسم. اما به نظرم لسان‌الغیب در همان غزل پاسخ داده است:

قدر وقت از نشناسد دل و کاری نکند

بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم

در این گشت و گذار، ایران برایم همچون کوه دماوند بلند و باصلابت و باشکوه تداعی شد و چون گفتم دماوند جا دارد از کار بزرگ هنرمند گرانمایه علی قصصری یاد کنم که این روزها جسم و جان و تار و هنرش را بر داشت و در مقابل نیروگاه دماوند آماده شد تا همگی را فدای ایران کند.

که ایران چو باغی است خرم بهار … چو ایران نباشد تن من مباد

منبع:ایرنا

کافه

تازه‌های ادب و هنر

جنگ را بزرگ نکنیم

شعر شاعران برای روزهای سخت ایران و ایستادگی سرافرازانه مدافعان وطن و مردم

کنون که معرکهٔ ننگ و نام و ناموس است نه جای غلغله‌عندلیب و طاووس است چو خانتان وطن، جنگ را بزرگ نکنیم به مکر و سفسطهٔ این دیو را ملّک نکنیم دعا کنیم که دشمن به خاک بنشیند وطن فروش به خاک هلاک بنشیند فدای شمع وطن باد جان پروانه که دور باد از این خانه دست بیگانه دعا کنیم عدالت جهان شمول شود

اگرچه خاک وطن سرخ فام از خون است چه غم که صبح ظفر سبِزتر ز اکنون است اگرچه خار به پایم و راه تاریک است بکوب طبل ظفر را که صبح نزدیک است بیا که کاخ ستم سخت سست بنیاد است عدوی ماست که در کنج محنت آباد است هنوز شمس و قمر هم‌رهان یک‌دگرند هنوز صبر و ظفر دوستان یک‌دگرند تو شمس باش، قمر اندر آستانهٔ توست به صبر کوش ظفر اندر آشیانهٔ توست عبد الکرم سروش فروردین ۱۴۰۵

جنگ میناب

سیدعلی صالحی، شاعر پیشکسوت در شعری یاد دانش‌آموزان مینایی را که در نخستین روز حمله آمریکا و اسرائیل به کشورمان جانشان را از دست دادند، گرامی داشته است. او در این شعر از دختران میناب می‌گوید و آمریکا را شیطانی توصیف می‌کند که سرنوشت دختران در یا را تصرف کرد:

مینابا، مینابای من

دختران هفت دریا

چرا به سیارهٔ گل سرخ آمدید

این‌جا شیطان در تاریکی سکوت و سرنوشت شما را تصرف کرده است. شیطان شب‌پرست خبر ندارد با نخستین تیغ آفتاب شما با تن هزار پاره خود از خلیج فارس برمی‌خیزید و خواب را در چشم نهنگِ کور حرام خواهید کرد.

ماییم و شراب پر شرنگت

سهیل محمودی در روزهای جنگ برای ایران سرود:

فارغ ز هوای صلح و جنگت ای عشق

ماییم و شراب پر شرنگت ای عشق

دلدادهی مهر توام و خواهم ماند

در سایهٔ پرچم سه‌رنگت ای عشق

آسیب به بالای بلندت مرساد

تشویش به جان دردمندت مرساد

ایران جوانمرد و سیاوشی من!

از آتش خشم و کین‌گزندت مرساد

آینهٔ لیخند بهارم: ایران

آرامش رنج روزگارم: ایران

دستم تھی و دلم پُر از غم... اما

ایران، همه‌ی داروندارم: ایران

قسم به پرچم تو

غلامرضا طریقی دیگر شاعری است که این روزها دست

به قلم شده است:

به روزمان چه می‌آمد

اگر نجیب نبودی

اگر نجیب نبودم

به روی خاک تو شاید

نباید وارد باتلاق شد

درباره مستندی درباره اشغال فاجعه‌بار عراق توسط آمریکا

که پاره‌نه در خیابان نشسته‌اند و تک‌تیراندازهایی که روی پشت‌بام‌ها مراقب‌اند، طنین می‌انند. جمعیت به‌سختنرانی‌ای گوش می‌دهد که خواستار اعلام بازداشت‌شدگانی است که حمایت آمریکایی‌ها را دارند.

در اینجا راوی، کمپبل اسکات، وارد می‌شود؛ هم‌زمان با تصویر دوگانه‌ای از بوش بر عرشه‌ی ناو لینکلن و بنر «ماموریت انجام شد». او یادآوری می‌کند که در سال ۲۰۰۳، رئیس‌جمهورآمریکا پایان عملیات اصلی رزمی را اعلام کرده بود. تضاد میان نمایش‌های آمریکا و واقعیت روی زمین با برش بعدی به صحنه‌های جنگ حتی آشکارتر می‌شود: صدای تیراندازی، دوربین لرزان، خودروهای سوخته، غیرنظامیان وحشت‌زده، سواروار و خشمگین. یک بمب‌گذاری دیگر، زندگی‌ها را نابود کرده است.

اسکات می‌گوید: «عراق به هرج‌ومرج و فروپاشی رسیده است.» جرال‌د برک، مشاور وزارت کشور عراق، با اعداد توضیح می‌دهد: «بغداد روزانه ۱۰ تا ۱۵ انفجار دارد، شاید ۵۰ کشته. اما گمان می‌کنم این آمار به‌شدت کمتر از واقع گزارش می‌شود.» تعداد کشته‌ها، زخمی‌ها و آوارگان عراقی حیرت‌آور است. روزنامه‌نگار عراقی، علی فاضل، می‌گوید: «کسانی که می‌میرند خوش‌شانس‌اند؛ اما کسانی که زنده‌اند، در حالی که زنده‌اند، مرده‌اند.» ویرانی در تصاویر گردآوری‌شده توسط فرگوسن به‌وضوح دیده می‌شود. برای توضیح این آشوب، مصاحبه‌شوندگان مختلف درباره مراحل جنگ و اشغال صحبت می‌کنند — در بخش‌هایی با عنوان «خلأ»، «فروپاشی» و «هرج‌ومرج» — و زنجیره‌ای از تصمیم‌ها، رویدادها و ناتوانی‌های تکان‌دهنده را شرح می‌دهند.

فیلم از تلاش‌های پس از ۱۱ سپتامبر برای ارتباط دادن صدام به القاعده آغاز می‌کند. تصاویر چنی، رامسفلد، جرج تنت و بوش در کنار گفته‌های مصاحبه‌شوندگان قرار می‌گیرد؛ تقابلی که عمیقاً ناراحت‌کننده‌اند. مثلاً وقتی ریچارد آرمیتاژ پیشنهاد می‌کند از کاندولیزا رایس پرسیده شود، فیلم با یک نوشته اعلام می‌کند که او حاضر به مصاحبه نشده است.

فاجعه‌بار

فیلم سپس رابطه آمریکا با عراق و جنگ ۲۰۰۳ را مرور می‌کند و بعد، گام‌به‌گام، اشغال فاجعه‌بار را توضیح می‌دهد. جورج پکر اشاره می‌کند که بوش کنترل عراق پس از جنگ را به پنتاگون سپرد؛ تصمیمی کلیدی در سوءمدیریت. همچنین، تکیه بر پیش‌بینی‌های نادرست احمد چلبی نیز برجسته می‌شود. فیلم بود برنامهریزی را نشان می‌دهد: تیم‌ها تنها چند هفته پیش از مأموریت تشکیل شدند.



سینمای جهان

اسلوپاگاندا

جنگ لفظی جرج کلونی و دونالد ترامپ بالا گرفت

کاخ سفید به برنده اسکار، جرج کلونی، به دلیل انتقادش از تهدیدات دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا علیه ایران حمله کرده و گفته است: «تتها کسی که مرتکب جنایت جنگی شده، جرج کلونی است؛ به خاطر فیلم‌های افتضاح و توانایی بازیگری بسیار بدش.» اما این بازیگر، کارگردان و تهیه کننده مطرح پاسخ این رفتار کاخ سفید را داده و این اظهارات را توهین‌های کودکانه خوانده است.

کلونی گفت: «این زمان بحث‌های جدی در بالاترین سطوح است، نه توهین‌های بچگانه.»

پیش از آتش‌بس دو هفته‌ای میان آمریکا و ایران، دونالد ترامپ به دلیل تهدید به نابودی کامل (تمدن) ایران در پیام‌های جنجالی شبکه‌های اجتماعی، با انتقادهای گسترده‌ای روبرو شد. ترامپ در پلتفرم شخصی‌اش تروث سوشال نوشت: «امشب یک تمدن کامل نابود خواهد شد و هرگز بازمی‌گردد»، آن هم ساعاتی پیش از مهلتی که جهت باز کردن تنگه هرمز تعیین کرده بود. یکی از چهره‌های مشهور که علیه لحن و اقدامات ترامپ موضع گرفت، جرج کلونی بود که هنگام سخنرانی برای دانش‌آموزان دبیرستانی در شهر کونتو ایتالیا، این تهدید را محکوم کرد.

کلونی گفت: «بعضی‌ها می‌گویند ترامپ مشکلی ندارد. اما اگر کسی بگوید می‌خواهد یک تمدن را نابود کند، این جنایت جنگی است.» او افزود: «می‌توانید همچنان از دیدگاه محافظه‌کارانه حمایت کنید، اما باید یک خط قرمز از نظر اخلاقی وجود داشته باشد و نباید از آن عبور کنیم.» این سخنان باعث واکنش طعنه‌آمیز مدیر ارتباطات کاخ سفید، استیون چونگ، شد که به روزنامه بریتانیایی ایندپندنت گفت: «تتها کسی که مرتکب جنایت جنگی شده، جرج کلونی است؛ به خاطر فیلم‌های بد و بازیگری ضعیفش.»



طبیعتاً این اظهارات برای کلونی قابل قبول نبود. او در پاسخ به این اظهارات عجیب در مصاحبه با ددلاین گفت: «خانواده‌ها عزیزانشان را از دست می‌دهند. کودکان در آتش سوخته‌اند. اقتصاد جهان در لبه سقوط قرار دارد. این زمان بحث‌های جدی در بالاترین سطح است، نه توهین‌های کودکانه.» او ادامه داد: «از اینجا شروع می‌کنم: جنایت جنگی زمانی مطرح است که قصد نابودی فیزیکی یک ملت وجود داشته باشد.» همان‌طور که در کنوانسیون نسل‌کشی و اساسنامه رم تعریف شده است. دفاع دولت چیست؟ غیر از اینکه مرا بازیگر شکست‌خورده خطاب کنند که با توجه به بازی در فیلم تمن و رابین! خودم هم با خوشحالی قبول دارم!»

این اولین بار نیست که میان کلونی و دولت ترامپ تنش لفظی رخ می‌دهد. ترامپ پیش‌تر این برنده دو جایزه اسکار و سه گلدن گلوب را یک ستاره شکست‌خورده خوانده و در تروث نوشته بود: «کلونی برای سیاست بیشتر از فیلم‌های بسیار کم و کاملاً متوسطش توجه جلب کرده است... او اصلاً ستاره سینما نبود، فقط یک آدم معمولی بود که مدام از عقل سلیم در سیاست شکایت می‌کرد.» ترامپ همچنین از این موضوع انتقاد کرده بود که کلونی و همسرش، امل کلونی، اخیراً تابعیت فرانسه گرفته‌اند.

نکته جالب اینجاست که خبر می‌رسد احتمال دارد به‌زودی فیلم‌ساز آمریکایی برنده جایزه، جیم جارموش نیز به او بیوندد. او اعلام کرده که قصد دارد تابعیت فرانسه را بگیرد. این کارگردان ۷۳ ساله که سال گذشته در ونیز برای فیلم «پدر، مادر، خواهر، برادر» جایزه شیر طلایی را دریافت کرد، در گفت‌وگو با رادیو فرانسه گفت که روند دریافت تابعیت فرانسه را آغاز کرده تا از ایالات متحده فرار کند. او افزود: «داشتم گذرنامه فرانسوی برایم افتتاح بزرگی خواهد بود.»

اسلوپاگاندا

اما جرج کلونی و پیش از آن رابرت دنیرو تنها چالش‌های سینمایی ترامپ نیستند. در همان اولین روزهای حمله به ایران، کاخ سفید ویدئویی را برای بزرگنمایی حملات منتشر کرد که در آن از ستاره‌هایی چون تام کروز، رابرت داوئی جونور، راسل کرو و برایان کرانستون... استفاده کرده بود. بعد از این انتشار آن بسیاری از کارشناسان معتقد بودند این ویدئو بار دیگر ثابت می‌کند که تا چه حد تولیدکننده دولت ترامپ نشان‌دهنده کمبود است آن هم در حالی که ویدئو، بمباران‌های آمریکا و اسرائیل علیه ایران را ستایش می‌کند. ویدئو مجموعه‌ای از تصاویر فیلم‌ها و سریال‌های اکشن است؛ از جمله تونی استارک، گلابداتو، تاپ گان، کیلورن والترز وایت. یکی از بخش‌ها، صحنه‌ای از فیلم کمدی تندرستی به کارگردانی بازی بن استیلرز است. بن استیلر در واکنش به این ویدئو نوشت: «کاخ سفید، لطفاً صحنه تندرستی را حذف کنید. ما هرگز اجازه استفاده ندهایم و هیچ علاقه‌ای به بخشی از ماشین تبلیغاتی شما بودن نداریم. جنگ، فیلم نیست.»



نفس نفس جانم
تویی تو ایرانم

ایران زنده است

نجیب بارور، شاعر شناخته‌شده افغانستان هم در تازه‌ترین سروده خود به پیروزی ملت ایران در برابر آمریکا پرداخته و با زبان ادبی و حماسی، مقاومت و ایستادگی ایرانیان را ستوده است. این سروده تأکیدی بر ایمان و وحدت ملت ایران در برابر فشارهای خارجی بوده و نشانه‌ای از تحسین گسترده فرهنگی در سطح منطقه به شمار می‌رود.

در سینه ما هوای ایمان زنده است
از روز الست، عهد و پیمان زنده است
برعکس دروغ‌های دزدان حجر
ای دوست بیا بین که ایران زنده است
صد زخم زدن، داغ‌داری کردند
با خون شهید روی اناری کردند
امروز سر بلند است تو شدی
ایران، ایران تو پایداری کردی
در سینه دشمن تو خنجر گیرم
من عشق ترا دوباره از سر گیرم
ایران، نامت سبک نگیرم زین پس
من نام ترا به جان برابر گیرم
استاد آذرخش، شاعر نامدار تاجیکستان، همدرد سروده‌ای جدید در وصف ایران نوشت:

به پاس دولت فرهنگ، ایران زنده خواهد ماند،
چو مهر نور بر ارزنگ، ایران زنده خواهد ماند!
به تاج و تخت جمشیدی، گل نوروز خورشیدی،
شرف در مستند و اورنگ، ایران زنده خواهد ماند!
محبت خانه عالم، مقدس دانه عالم،
به این تاریخ رنگارنگ، ایران زنده خواهد ماند.
به نور عشق و ایمان‌ها، به فیض علم و عرفان‌ها،
چو منشور خرد بر سنگ، ایران زنده خواهد ماند.
به لب خیام و فردوسی، به سینه حافظ و سعدی،
همیشه مولوی‌آهنگ، ایران زنده خواهد ماند.
فریدون‌ها به دامانش، تهمتن‌ها نگهبانش،
ابرپروز بر هر جنگ، ایران زنده خواهد ماند!

شب غم
ریحانه ابوترابی هم سرود:
صبح بوسیدمت، ولی کم بود
صبح، آستین شب غم بود
صبح در چشمت آسمان هم بود
پرگشودی از آشیان... رفتی...
کوله‌ای دخترانه بر دوش
شنبه بود و تمیز، روپوش
باز آغوش من و آغوش...
مثل آهو دوان دوان رفتی
...

گفته بودی بیا به دنبالم
تو بیایی چقدر خوشحالم
خاک تو بر سر من و عالم...
من رسیدم تو همزمان رفتی
درس امروزتان چه سنگین است
سنگ و آوار و خاک خوئین است
نه تترسی! که مرگ شیرین است...
فکر کن پای امتحان رفتی
پیکرت بال دارد و سر نه!
می‌شناسم تو را؟ نه دیگر! نه...
اسم داری به روی دفتر! نه؟
پاشو مادر خودت بخوان... رفتی؟
پدرت گفت مرده‌ای مادر
مادرت را نبرده‌ای مادر...
لقمه‌ات را که خورده‌ای مادر؟
زنگ چندم به آسمان رفتی؟
تیز کردی نوک مدادت را
تا که املا کنی شهادت را
بخش کردی خودت سعادت را...
چقدر خوب ازین جهان رفتی

همیشه شاد نبودم
ولی غریب نبودم
وطن! لباس نبودی
که با پریدن رنگت
لباس تازه بیوشم
چه ناسپاسم اگر من
شن کوی تو را هم
به عالمی بفروشم
قسم به پرچم تو!
به شادی و غم تو!
که من اگر که منم
تبی از این وطنم
شروع و پایانم
نسیم و طوفانم
نفس نفس جانم
تویی تو ایرانم
درخت باغ تو هستم
اگر به خاک بیفتم
چه باک اگر تو بمانی
صدای بغض توام من
اگر گرفته گلویم
چه غم اگر تو بخوانی
مباد بیه خزان
که روی شاخه پیرت
جوانه هست و تو هستی
من از تو غرق تماشا
عبور می‌کنم اما
زمانه هست و تو هستی
قسم به پرچم تو!
به شادی و غم تو!
که من اگر که منم
تبی از این وطنم
شروع و پایانم
نسیم و طوفانم

نمونه‌ای قابل توجه، باربارا بویدن است که بدون نیرو، امنیت یا حتی تلفن، مسئول بغداد شد. او می‌گوید: «واقعاً هیچ برنامه‌ای وجود نداشت.»

با ورود پل برمر و سیاست‌های فاجعه‌بارش، به‌ویژه بحث‌زدایی، اعتماد اولیه عراقی‌ها از بین رفت. مصاحبه‌های دوباره با مقامات نشان‌دهنده اختلافات جدی است. در همین حال، پنتاگون از جلوگیری از غارت‌ها سراسر باز زد. جیمز فالوز می‌گوید: «بزرگ‌ترین معمای عراق پس از جنگ این است که چرا آمریکا هیچ کاری برای کنترل غارت نکرد. چون بسیاری از مشکلات بعدی از همان ماه اول آغاز شدند.» با غارت‌هایی به ارزش حدود ۱۲ میلیارد دلار، مردم احساس رهاشدگی کردند. وقتی موزه‌ها تخریب شدند اما پالایشگاه‌های نفت محافظت شدند، اولویت‌ها روشن شد. تیر روزن از حس فراگیر بی‌قانونی سخن می‌گوید که عراق هرگز از آن بهبود نیافت. پس از کشته شدن نماینده سازمان ملل، سرجیو ویرا د ملو، وضعیت بدتر شد. استفاده از پیمانکاران خصوصی نیز بی‌اعتمادی را افزایش داد. یکی از عراقی‌ها می‌گوید: «آنچه آمد، از صدام بدتر است.»

فیلم نشان می‌دهد که مقتدی صدر وارد این خلأ شد و مقاومت شیعیان را سازمان داد. هم‌زمان،

جابه‌جایی مداوم نیروهای اداری باعث بی‌ثباتی بیشتر شد. ژنرال پل ایتون می‌گوید: «وقتی کسی تازه با عراقی‌ها رابطه برقرار می‌کرد، بعد از ۹۰ یا ۱۲۰ روز به خانه برمی‌گشت؛ این بدترین شیوه اداره یک سازمان است.» در عین حال، قراردادهای شرکت‌های آمریکایی داده می‌شد که با واقعیت‌های میدانی در تضاد بود. جورج پکر می‌گوید: «افساده، سوء استفاده و ائتلاف وجود داشت.» مردم عراق بدون برق، آب، ارتباطات یا فاضلاب بودند. فیلم ساختمان‌های ویران، خیابان‌های خالی و حملات شبانه نیروهای آمریکایی را نشان می‌دهد.

تیر روزن توضیح می‌دهد: «درک احساس یک ملت تحت اشغال دشوار است. اسلحه‌ها را به سمتت می‌گیرند، تو را در خیابان متوقف می‌کنند. عراقی‌ها دستورات را در ایست‌های بازرسی نمی‌فهمیدند، نزدیک می‌شدند و کشته می‌شدند.»

عنوان «هیچ پایدانی در کار نیست» کاملاً گویاست: دولت آمریکا هیچ پایدانی را در نظر نداشت، و هیچ پایدانی برای خشونت در عراق یا حضور آمریکا در آن دیده نمی‌شد. اشتباهات اشغال هرگز برای آمریکا قابل جبران نیستند.

شناسه آگهی ۲۱۴۷۵۷۲

نوبت دوم

آگهی مزایده عمومی یک مرحله‌ای

شماره فراخوان: ۱۰۰۴۰۹۲۸۶۸۰۰۰۰۲

مناقصه / مزایده گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه هرمزگان

موضوع: مزایده اموال (ضایعات) منطقه هرمزگان

تاریخ مهلت و نشانی محل دریافت تحویل اسناد مناقصه:

پس از انتشار آگهی در روزنامه کلیه مزایده گران بوسیله کامل اسناد مزایده و بارگذاری پاکت های الف - ب و ج به سایت <http://setadiran.ir> مراجعه نمایند.

- ۱- نرخ مزایده ۱۱۵۸۲۰۶۴۰۰۰۰ (یکصدویانزده میلیارد و هشتصدویست میلیون و ششصدوچهل هزار) ریال می باشد.
- ۲- نوع و مبلغ تضمین: مبلغ ضمانت نامه فرایند ارجاع کار مزایده ۵/۷۹۲۰۰۰/۰۰۰ (پنج میلیارد و هفتصد و نود و دو میلیون) ریال در صورت واریز شماره حساب ۲۱۷۲۵۸۸۰۲۸۰۰۳ بانک مرکزی یا به شماره شبا ۴۱۱۱۱۱۷۱۳۹۷۹۰ کد اقتصادی: ۶۷۳۳۷ (شماره ثبت ۶۷۳۳۷، کد اقتصادی: ۴۱۱۱۱۱۷۱۳۹۷۹، شناسه ملی: ۱۴۰۰۷۴۷۸۱۴۱) کدپستی: ۱۴۵۷۵-۷۹۱۷۹) (به غیر از تضمین بانک سپه، بانک گردشگری و بانک پاسارگاد و کارگزاران آن).
- ۳- مدت اعتبار ضمانت نامه شرکت در مزایده در صورت ارایه ضمانت نامه بانکی می‌بایست دارای سه ماه اعتبار و تا ۳ ماه قبایل تمدید و دارای شماره سپام باشد.
- ۴- توزیع اسناد مزایده پس از انتشار آگهی در بازه زمانی از تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۰۱/۲۲ مهلت بازدید از تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۸ تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۸ مهلت دریافت اسناد تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۸ مهلت ارائه پیشنهاد از تاریخ ۱۴۰۵/۰۱/۲۲ تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۸ مهلت بازگشایی ارزیابی کیفی مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۱. زمان بازگشایی پاکت های الف ب ج متعاقباً اعلام خواهد شد و زمان اعلام برنده ۱۴۰۵/۰۲/۲۴ می باشد. (مهلت بازدید از تاریخ ۱۴۰۵/۰۱/۲۲ تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۸ از ساعت ۸-۱۲ الزامی میباشد)
- ۵- کلیه مزایده گران صرفاً در سامانه ستاد ایران باید ثبت نام و پاکت الف - ب و ج خود را در سامانه بارگذاری نمایند.
- ۶- حضور شرکت کنندگان در مزایده در جلسه بازگشایی پاکت با معرفی نامه کتبی پلامع بوده و می‌توانند ۲ نفر نماینده را برای شرکت در جلسه گشایش پاکت به صورت کتبی معرفی نمایند.
- ۷- تعدادی اقدام از قبیل کولر در جزیره کیش و قسم است و قوانین مناطق آزاد برای خروج کالا با سرزمین اصلی متفاوت است لذا تمهیدات لازم در زمان بازدید و پیشنهاد قیمت توسط مزایده گر اندیشه شود. (مهم است)
- ۸- نرخ های پیشنهادی در قالب فایل های ارسالی (جدول اکسل) بصورت خوانا و دقیق طبق توضیحات مندرج در سامانه ستاد تکمیل گردد.
- ۹- در صورت برنده شدن، مزایده گر می بایست تعهدات مربوط به نظافت محل و سایر طبق تایید کارفرما انجام دهد.
- ۱۰- حق الزحمه کارشناسی رسمی دادگستری از برنده مزایده، اخذ خواهد شد.

چاپ نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۱/۱۹
چاپ نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۱/۲۲

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه هرمزگان



تحلیل

زنگ خطر

تداوم قطعی اینترنت
چه بلایی سر بازار کار می‌آورد؟

زهره حشمتی

تحلیلگر اقتصاد دیجیتال

در حالی که اختلال گسترده و قطع دسترسی به اینترنت بین‌الملل در پی حمله آمریکا و اسرائیل علیه ایران طی هفته‌های اخیر به یکی از چالش‌های جدی فضای کسب‌وکار در ایران تبدیل شده، فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال نسبت به پیامدهای تداوم این وضعیت هشدار می‌دهند. محدودیت‌هایی که نته‌ها روند توسعه فنی پلتفرم‌ها را با اختلال مواجه کرده، بلکه چشم‌انداز فروش، جریان درآمدی و حتی بقای بسیاری از استارت‌آپ‌ها را در حال‌های از ابهام قرار داده است. در وضعیت فعلی، چشم‌انداز توسعه کسب‌وکارهای آنلاین و به‌ویژه آن‌هایی که در زمینه توسعه نیاز به اینترنت دارند، به شدت مبهم است. تقریباً از ماه دی، دسترسی به اینترنت آزاد و فعالیت این کسب‌وکارها با مشکل مواجه شده است. برخی از این کسب‌وکارها در مرحله تکمیل زیرساخت‌های خود هستند؛ برای مثال پلتفرمی را می‌پا کرده و می‌خواهد آن را به بازار برساند، اما اساساً فرآیند توسعه نرم‌افزار آن‌ها به مشکل خورده است. چالش بعدی، دسترسی به برخی زیرساخت‌های بین‌المللی است. برخی از این کسب‌وکارها نیاز به سرورهای خارج از ایران داشتند که با وجود سرورهای موجود در ایران، سرورهای خارجی سرعت و پاسخگویی بسیار بهتری دارند و این محدودیت‌ها باعث شده است که این زیرساخت‌ها از دسترس خارج شوند. از همه مهم‌تر، موضوع چشم‌انداز فروش این شرکت‌ها است؛ چرا که بسیاری از کسب‌وکارهای آنلاین پس از عبور از مرحله توسعه و تأمین زیرساخت باید درآمدزایی کنند و این درآمدزایی نیازمند آن است که مشتریان آن‌ها نیز به اینترنت دسترسی داشته باشند تا بتوانند محصول را خریداری کنند. در شرایط موجود، چشم‌انداز فروش آن‌ها نیز به شدت مبهم است و این ابهام از این جهت وضعیت بدی را رقم زده که انتهای آن نیز نامشخص است. از سوی دیگر، تداوم این وضعیت بر اعتماد نیز اثر مخربی دارد؛ چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی. در داخل، کاربران و مشتریان به کسب‌وکارهای آنلاین بی‌اعتماد می‌شوند، زیرا خدمات آن‌ها پایدار نیست. در سطح بین‌المللی نیز شرکای تجاری نمی‌توانند روی ارتباطات و تبادلات پایدار حساب کنند. تجربه‌های اخیر نشان داده است که حتی اتاق‌های بازرگانی و فعالان اقتصادی در برقراری ارتباط با طرف‌های خارجی با مشکل مواجه شده‌اند و این موضوع به اعتبار تجاری کشور آسیب می‌زند.

سعید مشهوری

گروه اقتصادی

اگر مذاکرات اسلام‌آباد به خوبی پیش برود، ایران و اروپا احتمالاً مسیری متفاوت از گذشته در پیش می‌گیرند و ای بسا روابطشان از اساس تغییر کند. کسی نمی‌داند اما شاید قفل بهبود روابط ایران با کشورهای اروپایی در پاکستان گشوده شود. در سال‌های گذشته، کشورهای قدرتمند و دارای اقتصاد برتر اروپایی به دلیل اختلاف نظر و بیشتر، تحت تأثیر فشارهای ایالات متحده آمریکا، فاصله معناداری از جمهوری اسلامی گرفتند و روابط سیاسی و اقتصادی خود را با ایران کاهش دادند. این روند به‌ویژه پس از تشدید تحریم‌ها و افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی شدت گرفت و باعث شد بسیاری از شرکت‌ها و دولت‌های اروپایی از حضور فعال در بازار ایران عقب‌نشینی کنند. با این حال، تحولات و درگیری‌های اخیر در منطقه باعث شده است نشانه‌هایی از بازنگری در این رویکرد دیده شود و برخی از کشورهای مهم اروپایی بار دیگر به امکان احیای روابط با ایران توجه نشان دهند. در این میان، رفتار کشورهای مهم اروپا قابل توجه است. بریتانیا به‌وضوح در برخی مقاطع از همراهی کامل با سیاست‌های دونالد ترامپ خودداری کرده و در تنش‌های نظامی مشارکت مستقیمی نداشته است. فرانسه نیز در مواردی از پیوستن به اقدامات تهاجمی علیه ایران اجتناب کرده و بر مسیر دیپلماسی تأکید داشته است. آلمان که در دوره‌هایی مواضع سخت‌گیرانه‌تری علیه ایران اتخاذ کرده بود، در ادامه تحولات اخیر از آمادگی برای ازسرگیری مذاکرات سخن گفته است. در جنوب اروپا، اسپانیا موضعی صریح در مخالفت با اقدام نظامی علیه ایران اتخاذ کرده و ایتالیا نیز ضمن انتقاد از برخی سیاست‌های آمریکا، تمایل خود را برای بازسازی روابط اقتصادی با ایران ابراز کرده است. اهمیت این کشورها تنها به مواضع سیاسی آن‌ها محدود نمی‌شود، بلکه به وزن بالای آن‌ها در اقتصاد جهانی و نقش تعیین‌کننده‌شان در ساختار تصمیم‌گیری اروپا نیز بازمی‌گردد.

دوربرگردان یک رابطه

چرا اروپا به رابطه با ایران علاقه نشان داد؟

کشورهایی مانند آلمان، فرانسه و بریتانیا از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان هستند و هر یک سهم قابل‌توجهی از تولید ناخالص داخلی جهانی را در اختیار دارند. اروپایی‌ها از ابتدا در مذاکرات هسته‌ای با ایران حضور مؤثر داشتند که نهایتاً به توافق برنامه جامع اقدام مشترک در سال ۲۰۱۵ ختم شد. پس از خروج آمریکا از برجام، انتظار ایران این بود که اروپا از توافق دفاع کند. ایران به دلیل منافع ملی خود در توافق باقی ماند، اما اروپا به دلیل وابستگی عمیق اقتصادی به آمریکا، نتوانست از مواضع خود دفاع کند و روابط ایران و اروپا به شدت آسیب دید. اروپا که در دو دهه گذشته شریک نخست تجاری ایران بود، در حوزه‌های انرژی، تجارت، فرهنگ و آموزش پیوندهای گسترده‌ای با ایران داشت که پس از برجام و تحولات بعدی دچار گسست شد. در چنین شرایطی، اگر روند ازسرگیری روابط میان ایران و این کشورهای اروپایی تقویت شود، اقتصاد ایران می‌تواند از چند مسیر اصلی تحت تأثیر قرار گیرد. به عقیده پدram سلطانی، مهم‌ترین اثر، افزایش حجم تجارت خارجی است. کشورهای اروپایی می‌توانند بار دیگر به بازارهای مهمی برای صادرات ایران، به‌ویژه در حوزه نفت، گاز، پتروشیمی و برخی کالاهای صنعتی و کشاورزی تبدیل شوند. در مقابل، ایران نیز می‌تواند از واردات کالاهای سرمایه‌ای، فناوری‌های پیشرفته و تجهیزات صنعتی از اروپا بهره‌مند شود که برای نوسازی زیرساخت‌های اقتصادی کشور ضروری است. پدram سلطانی ورود سرمایه‌های خارجی را اثر مهم دیگر از سرگیری روابط ایران و اروپا می‌داند. به عقیده او؛ شرکت‌های اروپایی، به‌ویژه در کشورهایمانند آلمان و فرانسه، از توان بالایی در حوزه‌های صنعتی، انرژی، خودروسازی و فناوری برخوردارند. حضور این شرکت‌ها در ایران می‌تواند به انتقال دانش فنی، افزایش بهره‌وری و ایجاد اشتغال کمک کند. همچنین همکاری با کشورهایمانند ایتالیا و اسپانیا می‌تواند در توسعه بخش‌هایی مانند گردشگری، انرژی‌های تجدیدپذیر و صنایع کوچک و متوسط نقش مهمی ایفا کند. این نوع همکاری‌ها نه تنها به رشد اقتصادی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به متنوع‌سازی

اقتصاد ایران و کاهش وابستگی به منابع محدود نیز منجر شود. سومین پیامد مهم، تأثیر روانی و ساختاری بر بازارهای مالی ایران است. به نظر پدram سلطانی، بهبود روابط با کشورهای بزرگ اروپایی معمولاً به‌عنوان یک سیگنال مثبت در سطح بین‌المللی تلقی می‌شود و می‌تواند ریسک سرمایه‌گذاری در ایران را کاهش دهد. این موضوع به نوبه خود می‌تواند باعث افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، ثبات بیشتر در بازار ارز و تسهیل دسترسی ایران به منابع مالی و بانکی بین‌المللی شود. هرچند تحریم‌های آمریکا همچنان یک عامل محدودکننده مهم باقی می‌ماند، اما گسترش روابط با اروپا می‌تواند تا حدی اثر این محدودیت‌ها را کاهش دهد و راه‌هایی برای تعامل اقتصادی فراهم کند. پدram سلطانی معتقد است باید توجه داشت که تحقق این سناریو به عوامل متعددی بستگی دارد و نمی‌توان آن را قطعی دانست. سطح و شدت تحریم‌ها، وضعیت روابط ایران با آمریکا، ثبات سیاسی در منطقه و همچنین کیفیت و پایداری توافق‌ها میان ایران و کشورهای اروپایی از جمله عواملی هستند که می‌توانند مسیر این روابط را تعیین کنند. علاوه بر این، شرکت‌های اروپایی معمولاً در تصمیم‌گیری‌های خود بسیار محتاط هستند و ریسک‌های حقوقی و مالی را به دقت ارزیابی می‌کنند؛ بنابراین حتی در صورت بهبود روابط سیاسی، بازگشت کامل آن‌ها به بازار ایران ممکن است زمان‌بر باشد. با این حال، آنچه روشن است این است که کشورهای بزرگ اروپایی به دلیل قدرت اقتصادی، نفوذ سیاسی و نقش‌شان در نظام مالی جهانی، می‌توانند تأثیر قابل‌توجهی بر آینده اقتصادی ایران داشته باشند. هرگونه تغییر در رویکرد آن‌ها، چه در جهت تقویت روابط و چه در جهت تداوم فاصله، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد ایران به همراه داشته باشد. سلطانی معتقد است اگر مسیر تعامل و همکاری میان ایران و این کشورها هموار شود، می‌توان انتظار داشت که اقتصاد ایران از نظر رشد، سرمایه‌گذاری، اشتغال و دسترسی به فناوری‌های نوین با بهبود نسبی مواجه شود، هرچند این بهبود به‌طور کامل به شرایط سیاسی و بین‌المللی وابسته خواهد بود.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مرتضی سعادت‌نوی و کیلی آقای مصطفی سعادت‌نوی طبق وکالتنامه شماره ۸۱۹۸۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۷۰ تهران با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شماره ۶۷۵۶۰۴ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۸ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۲۲۱ تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۲۵۰۴۱۶۱۲ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ مدعی فقدان سند مالکیت یک قطعه واحد تجاری وضعیت خاص طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۴۲۹۰۵ فرعی از ۷۰۲۲ اصلی، مغرور و مجزا شده از ۲۸۲۱ فرعی از اصلی مذکور، قطعه در طبقه ۰ و واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک نارمک تهران استان تهران به مساحت ۲۱۳/۴۹ متر مربع متن ملک واحد تجاری قطعه اول تفکیکی مغرور و مجزی شده از شماره ۲۸۲۱ فرعی از ۷۰۲۲ اصلی، به مساحت (۲۱۳/۴۹) دوپست و سیزده متر و چهل و نه دسیمتر مربع، واقع در سمت جنوبی همکف که (۴/۹۸) چهار متر و نود و هشت دسیمتر مربع آن سرویس بهداشتی تجاری اختصاصی بنام آقای مصطفی / سعادت‌نوی فرزند محمد شماره شناسنامه ۱۸۵۹ تاریخ تولد ۱۳۵۰ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۴۹۱۷۱۸۲ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان ثبت و سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۳۸۸۲۲۶ سری ج سال ۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۵۲۰۳۰۱۰۲۵۰ ثبت گردیده است.

بعلت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می‌شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نارمک تهران - بهروز جشان

شناسه آگهی ۲۱۴۷۴۵۴

آگهی فقدان سند مالکیت

پلاک ثبتی ۸۵۵۰۴ فرعی از ۲۳۹۵ اصلی در بخش ده تهران آقای سرور کاوه با تسلیم استشهادیه گواهی امضا به شماره ۶۱۹۱ به رمز تصدیق ۹۹۲۰۹۰ شناسه تصدیق ۱۴۰۴۰۲۱۵۳۰۵۸۰۰۰۲۶۶ دفتر ۱۳۴۵ تهران طی درخواست به وارده مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ ذیل مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ تقاضای صدور سند مالکیت بعلت جابجایی نموده است و مدعی است سند مالکیت شش‌دانگ یک‌دستگاه آپارتمان مسکونی قطعه ۴ در طبقه همکف به مساحت ۶۴/۴۱ متر مربع که مقدار ۲/۹۳ متر مربع آن بالکن است بانضمام انباری قطعه ۹ به مساحت ۲/۵ مفقود شده است. مشخصات مالکیت: ذیل دفتر ۲۱۲۵ صفحه ۳۰۷ بنام طاهر عبادی واحد خانقاه سفلی ثبت گردیده سپس به مالک ذیل منتقل و سند تک برگ صادر شده است: مالکیت سرور / کاوه فرزند علی شماره شناسنامه ۱۳۹۰ تاریخ تولد ۱۳۳۱/۰۴/۰۱ صادره از کاشان دارای شماره ملی ۱۲۶۱۲۰۳۰۰۳ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۶۷۵۲۷ تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۸۸ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۰۵۶۵۴ سری الف سال ۹۶ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۴۵۰۵۴۹۳۲ ثبت گردیده است.

لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت فوق الذکر و درخواست المثنی آن مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میگردد تا هر کس مدعی است سند مالکیت نزد وی بوده و یا نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده و در این آگهی ذکر نشده است باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله اعلام نماید (متذکر میگردد در صورت ارائه سند مالکیت یا سند معامله و تهیه صورت‌مجلس یک نسخه از صورت‌مجلس به ارائه دهنده تحویل و اصل سند مسترد خواهد شد) و در صورت عدم وصول اعتراض مطابق مقررات سند مالکیت المثنی را صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

۱۸۱۵۱ م الف
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران - امید ملک

شناسه آگهی ۲۱۴۸۳۳۲

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم بهاره تابان فر بعنوان مالک با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شناسه یکتا به شماره ۷۲۶۰۰۲ شناسه تصدیق ۱۴۰۲۰۲۱۵۵۷۱۸۴۰۰۰۹۵۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۰۵ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۰ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۱۰۷۸۰۱۲۶۳۱ مورخه ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ مدعی فقدان سند مالکیت شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان واقع در طبقه ۲ بمساحت ۴۰/۶۴ متر مربع قطعه دوم تفکیکی به پلاک ثبتی ۲۳۰۴۶ فرعی از ۲۴۲۶ اصلی مغرور و ومجزی شده از پلاک ۲۹۷۲ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۰ تهران با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمانها و آئین نامه اجرائی آن که بنام پروین رئیسی ذیل ثبت ۷۴۹۱ صفحه ۱۲۴ دفتر ۵۷ به شماره چاپی ۶۵۵۹۸۸ ثبت و صادر گردیده و سپس شش‌دانگ مع الواسطه برابر سند قطعی شماره ۱۴۴۹۴۵ مورخه ۱۳۹۵/۰۸/۰۹ دفترخانه ۱۶۶ تهران به بهاره تابان فر منتقل و سپس برابر سند شماره ۱۴۴۹۴۶ مورخه ۱۳۹۵/۰۸/۰۹ دفترخانه ۱۶۶ تهران در رهن بانک مسکن قرار گرفته است و نامبرده با اعلام مفقودی به علت اسباب کشی درخواست المثنی سند مالکیت پلاک موصوف را نموده است. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران - خداداد بشیری

شناسه آگهی ۲۱۴۸۳۵۱

چهل میناب

واکاوی چهل روز پس از فاجعه «شجره طیبه» میناب

چهل روز از نهم اسفندماه سال گذشته می‌گذرد؛ روزی که شلیک موشک‌های تفتازن به مدرسه ابتدایی دخترانه «شجره طیبه» در شهرستان میناب، نه تنها سقف یک واحد آموزشی، بلکه سقف خانه‌ها را بر سر خانواده‌ها و مردمان میناب فروریخت. در این روزها در حالی که مراسم‌های سراسری چهل قربانان در شهرهای مختلف ایران به پایان رسیده است، ابعاد فنی، حقوقی و انسانی این حادثه وارد فاز جدیدی شده است. آنچه در چهل روز گذشته بر خانواده‌های داغدار و جامعه مدنی ایران گذشت، فراتر از یک سوگاری سنتی، تلاشی منسجم برای مستندسازی یک «جنایت جنگی» در ابعاد بین‌المللی بود.

فرآیند دشوار هویت‌یابی

نخستین چالش پس از انفجار ساعت ۱۱:۳۰ نهم اسفند، نه در حوزه سیاست، که در راه‌روهای سرد پزشکی قانونی رقم خورد. به دلیل قدرت تخریب بالای بمب‌ساز موشک‌های به کار رفته و وقوع انفجار دوم (در محیط بسته مدرسه، پیکر بسیاری از قربانان در وضعیت «غیرقابل شناسایی» قرار داشت. گزارش‌های رسمی دادستانی میناب و سازمان پزشکی قانونی هم‌زمان تأیید می‌کند که آمار اولیه ۱۴۰ شهید، پس از تکمیل آزمایش‌های تطبیق DNA به ۱۵۶ نفر افزایش یافت. این آمار شامل ۱۲۰ دانش‌آموز دختر، ۲۶ کادر آموزشی و اداری و ۱۰ نفر از ساکنان محلی و عیاران است. نکته حائز اهمیت در گزارش‌های کارشناسی، استفاده از «امهات هدایت‌شونده» است که فرضیه خطای انسانی یا انحراف موشک را از نظر فنی رد می‌کند. طبق گزارش دیده‌بان حقوق بشر که در روزهای اخیر بازتاب گسترده‌ای داشت، مختصات جغرافیایی مدرسه به عنوان یک هدف غیرنظامی در سیستم‌های ناوبری ثبت شده بود، که همین موضوع وجاهت قانونی حمله را به طور کامل زیر سوال برده است.

جغرافیای سوگ؛ از هرزگان تا تهران

مراسم‌های چهل که از ۱۹ فروردین آغاز شد، نقشه پراکنندگی اعتراض و همدردی را در سراسر کشور ترسیم کرد. در تهران، «خیابان حجاب» کانون جمعی بود که با رویکردی مدنی و با حضور فعالان حوزه کودک برگزار شد. برخلاف مراسم‌های رسمی، این تجمع بر ابعاد آموزشی و امنیت روانی کودکان تمرکز داشت. حضور مجید میجدی، فیلم‌ساز و رسول خادم، چهره ورزشی و فعال اجتماعی، در این تجمعات و همچنین در گزارش‌های میناب، شکل‌گیری یک جبهه واحد از نخبگان در برابر این فاجعه را به نمایش گذاشت.

در بندرعباس، تجمع «چهل چشم خونخواهی» با حضور جمعیت انبوهی که از شهرهای رودان، جاسک و بشاگرد خود را به مرکز استان رسانده بودند، برگزار شد. شرکت‌کنندگان با حمل تصاویری از

دیپلماسی

هزیمت هزار ساعته

چهل‌ودو روز خاموشی دیجیتال و ویرانی اقتصاد پنهان ایران



فانزه مومنی

گروه اجتماعی

عقره‌های ساعت در بیست‌ویکمین روز از فروردین، عبور از مرز ۹۸۴ ساعت قطعی مداوم اینترنت بین‌الملل را نشان می‌دهند؛ آماري که از یک اختلال فنی ساده فراروی کرده و به یک «سکته وسیع زیرساختی» بدل شده است. از نهم اسفندماه سال گذشته زمانی که نبض شبکه جهانی در ایران به شماره افتاد، تا به امروز که بیش از ۴۰ روز از آن سپری شده، ایران رکورد جهانی طولانی‌ترین قطعی سراسری اینترنت را به نام خود ثبت کرده است. این خاموشی نه تنها ارتباطات انسانی را به دوران پیشادigital بازگردانده، بلکه طبق آمارهای رسمی و نیمه‌رسمی، خسارتی بالغ بر ۲۰۰ تا ۲۱۰ هزار میلیارد تومان به پیکره نحیف اقتصاد ملی وارد کرده است. هر دقیقه از این قطع ارتباط، همانند خروج خون از رگ‌های تجارت و معیشت، هزینه‌ای بین ۵۰ تا ۳۰۰ هزار دلار به بار آورده که در مقیاس چهل‌روزه، ابعادی تکان‌دهنده و غیرقابل جبران یافته است.

سقوط آزاد در دره دیجیتال و نابودی معیشت خرد

نخستین و ملموس‌ترین پیامد این انسداد طولانی، فروپاشی ستون فقرات «اقتصاد زیرزمینی شبکه‌های اجتماعی» و کسب‌وکارهای خرد است. میلیون‌ها نفر از شهروندان که معیشت خود را به وبسایت‌های مجازی گره زده بودند، اکنون با صندوق‌های خالی و انبارهای انباشته از کالاهای روبرو هستند که خریداری برای آن‌ها وجود ندارد. از فروشنده صنایع‌دستی در روستاهای دورافتاده تا فریلنسرها فعال در حوزه‌های برنامه‌نویسی و گرافیک، همگی در وضعیتی معلق و بحرانی قرار گرفته‌اند. برای این قشر، اینترنت نه یک ابزار تفریحی، بلکه تنها



کلاس‌های ویران‌شده و کیف‌های نیم‌سوخته، بر مطالبه‌ای واحد تأکید داشتند: «عبور از بیانیه‌های محکومیت و ورود به فاز عملیاتی تعقیب قضایی». این مراسم که تا ساعات پایانی شب ۲۰ فروردین ادامه داشت، با قرأت بیانیه‌ای توسط خانواده‌های شهدا خاتمه یافت که در آن خواستار تشکیل یک کمیته حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی شده بودند.

ابعاد حقوقی و بن‌بست‌های بین‌المللی

رسانه‌ها گزارش دادند که تیم‌های حقوقی وزارت امور خارجه و دادگستری ایران، مستندات جمع‌آوری شده شامل بقایای تسلیحاتی و تصاویر ماهواره‌ای را برای ارائه به دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) آماده کرده‌اند. با این حال، کارشناسان روابط بین‌الملل بر این باورند که مسیر حقوقی این پرونده با چالش‌های جدی مواجه است. سوئیا جونز، پژوهشگر ارشد دیده‌بان حقوق بشر، در آخرین به‌روزرسانی خود تأکید کرده است که «سکوت یا واکنش‌های ضعیف برخی دولت‌های غربی در قبال هدف قرار گرفتن یک مدرسه ابتدایی، استانداردهای دوگانه حقوق بشر را به شکلی عریان به نمایش گذاشته است».

در داخل کشور، رئیس کل دادگستری هم‌زمان اعلام کرد که پرونده شناسایی ۲۵ پیکری که هویت آن‌ها به دلیل شدت جراحات همچنان در حال‌های از ابهام بود، تقریباً بسته شده و تنها یک دانش‌آموز همچنان در لیست «مفقودین قطعی» قرار دارد. این وضعیت، فشار روانی مضاعفی را بر بدنه آموزشی استان وارد کرده است؛ به طوری که بسیاری از مدارس میناب در چهل روز

نمی‌شود؛ جامعه دانشگاهی و پژوهشی ایران در آستانه یک عقب‌گرد تاریخی قرار گرفته است. قطع دسترسی به پایگاه‌های علمی بین‌المللی و ژورنال‌های تخصصی، روند نگارش پایان‌نامه‌ها و پروژه‌های نخبگان را به بن‌بست کشانده است. دانشجویانی که برای شرکت در آزمون‌های بین‌المللی یا پیگیری فرصت‌های مطالعاتی برنامه‌ریزی کرده بودند، اکنون در برزخی از بلا تکلیفی به سر می‌برند. رشته‌های مهندسی و علوم پایه که حیات‌شان به پلتفرم‌های تعاملی و ابزارهای نوین هوش مصنوعی وابسته است، عملاً فلج شده‌اند. این رکود علمی، نه تنها انگیزه نخبگان را خشک می‌کند، بلکه تراز علمی کشور را در سطح جهانی با افتی محسوس مواجه خواهد کرد که جبران آن آتش سال‌ها زمان خواهد برد.

هزینه‌های نامرئی؛ زوال اعتماد و فرسایش زیرساخت

فراتر از زیان‌های آتی، آنچه این بحران را به یک تراژدی بلندمدت تبدیل می‌کند، نابودی «اعتماد» به عنوان اصلی‌ترین رکن سرمایه‌گذاری است. وقتی زیرساخت اینترنت به عنوان یک شریان حیاتی، به سادگی و برای مدتی طولانی قطع می‌شود، پیامی روشن به سرمایه‌گذاران و متخصصان مخا‌بره می‌شود مبنی بر اینکه محیط فعالیت اقتصادی در این بستر پرریسک و غیرقابل پیش‌بینی است. نتیجه این پیام، موج جدیدی از مهاجرت نیروهای متخصص، خروج استارت‌آپ‌ها به کشورهای همسایه و توقف قراردادهای بین‌المللی است. اقتصاد ایران که در ۱۰۰ روز نخست سال ۲۰۲۶ میلادی، ۶۲ روز آن را در تاریکی دیجیتال سپری کرده، اکنون با زخمی عمیق روبه‌روست که حتی با وصل مجدد شبکه نیز به سادگی التیام نخواهد یافت. استمرار این وضعیت، نه تنها رشد اقتصاد دیجیتال را متوقف کرده، بلکه کل ساختار تولیدی و خدماتی کشور را از قطار پیشرفت جهانی پیاده کرده است. فردا که ۲۲ فروردین ماه است، ایران وارد چهل‌وسومین روز از این خاموشی مداوم می‌شود؛ روزی که هر نایه‌اش، سهم مردم از سفره اقتصاد جهانی را کوچک‌تر و فاصله‌شان را از استانداردهای زندگی مدرن، دورتر می‌کند.

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم زهرا باقریان اصالتاً با تسلیم ۲ برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شماره ۹۸۹۷۸۹ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۸۰ تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۱۰۲۳۰۲۹۶۶۴ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۰ مدعی فقدان سند مالکیت عرصه و اعیان سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۳۸/۶ متر مربع قطعه ۱۸۶ تفکیکی پلاک ثبتی ۱۰۳۱۵ فرعی از ۱۱۸ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۸۰۰ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۱ تهران ذیل ثبت الکترونیک به شماره ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۲۳۰۰۹۵۱۴ و به شماره چاپی ۸۹۱۴۰۵ بنام زهرا باقریان ثبت و صادر و تسلیم گردیده است.

بعلت جابجایی مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی آن را از این واحد ثبتی نموده است. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت آن نزد خود می‌باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه اصل سند مالکیت به این واحد ثبتی تسلیم نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. بدیهی است اصل سند مالکیت پس از ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد و به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. در صورت عدم وصول اعتراض ظرف مهلت مقرر قانونی سند مالکیت المثنی پلاک مذکور صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت
ملک کن تهران - علی زارعی فر
شناسه آگهی ۲۱۴۶۱۲۲

آگهی ماده ۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به اینکه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک سعادت آباد تهران بموجب رای صادره شماره ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ - ۱۴۰۴۵۰۰۲۶۳۳ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای موسی مطلبی فرزند احمد به شماره ملی ۱۶۳۸۲۰۵۹۳۰ متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۰۱۱۴۵۰۰۰۱۶ در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی (در پهنه فضای سبز و حریم برق) در قسمتی از پلاک اصلی ۱۱۶/۴۱۷۵۴ واقع در بخش ۱۱ تهران بمساحت ۱۰۷/۷۲۱ متر مربع معزز اعلام نموده است لذا مفاد رای صادرالذکر با استناد ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی می‌گردد تا در صورتیکه شخصی یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک سعادت آباد تهران تسلیم و رسید دریافت دارند مضافاً اینکه معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه محل وقوع ملک نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره تسلیم نماید در این صورت اقدامات اداره ثبت موکول به رای دادگاه می‌باشد و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل وقوع ملک را ارائه ننماید اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید بدیهی است صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۱/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۰۶
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت
ملک سعادت آباد تهران - سیدمهداد صفائی
شناسه آگهی ۲۱۴۶۱۱۹

